



مرکز تحقیقات اسلامی

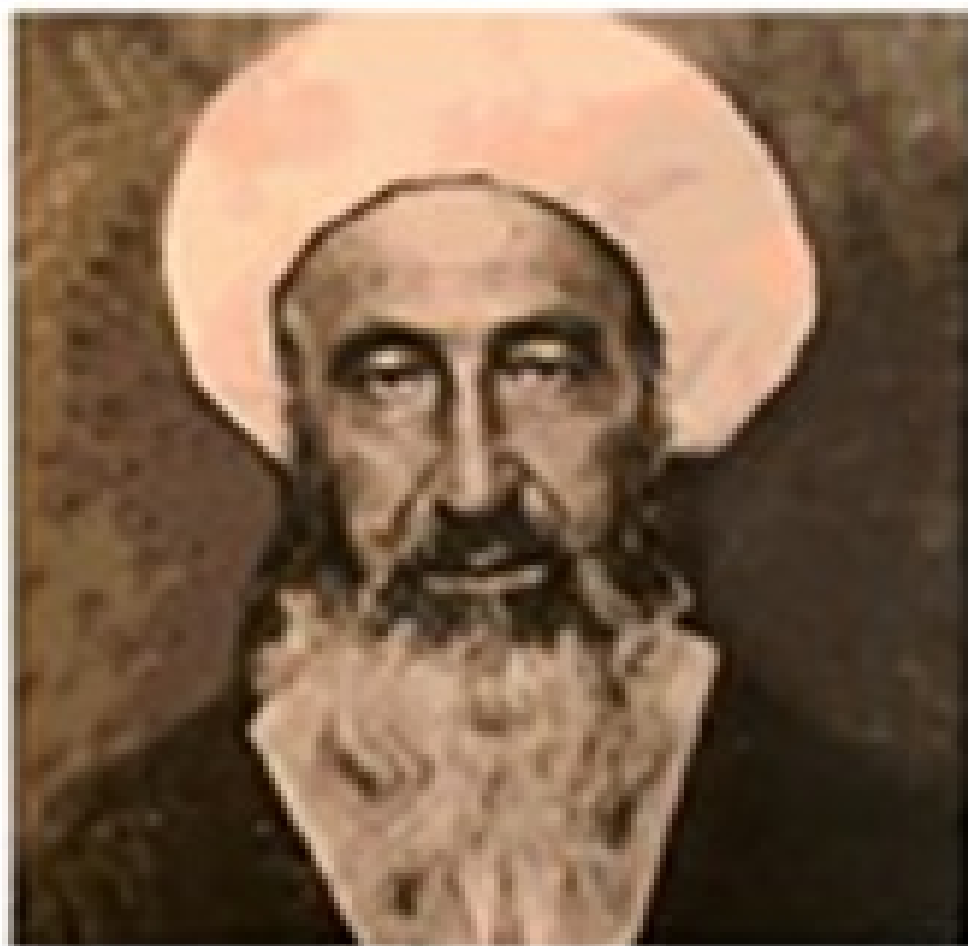
اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تذکره پیشوای سیدان و علمای این

پیشوای



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگی و اندیشه های میرزا محمد حسین نائینی

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	زندگی و اندیشه های میرزامحمدحسین نائینی
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۰	دیباچه
۲۲	پیش گفتار
۲۵	فصل اول: حیات علمی
۲۵	اشاره
۲۶	علامه نائینی در یک نگاه
۲۷	شخصیت علمی علامه نائینی
۲۹	تدریس در نجف اشرف
۳۱	سفارش به نگارش درس
۳۲	شاگردان نائینی
۳۴	آثار و نوشته ها
۳۶	مرجعیت نائینی
۳۷	فصل دوم: اندیشه ها و نوآوری های علامه نائینی
۳۷	اشاره
۳۸	اندیشه ها و نوآوری های علمی
۳۹	ولایت فقیه و گستره آن
۴۱	قانون اساسی
۴۳	بهره گیری بیشتر از قرآن
۴۴	رو آوردن به نهج البلاغه
۴۶	اهمیت دادن به سیره و تاریخ

۴۷	امر به معروف و نهی از منکر
۴۷	سربلندی و استقلال مسلمانان
۴۸	بایستگی تشکیل حکومت
۵۰	شورایی بودن نظام اسلامی
۵۱	اعتبار نظر اکثریت
۵۲	مساوات (برابری)
۵۴	اصالت اندیشه های نائینی (رفع یک شبهه)
۵۶	یادآوری
۵۸	فصل سوم: فعالیت های سیاسی
۵۸	اشاره
۵۹	زندگی سیاسی علامه نائینی
۶۰	نائینی در نهضت مشروطه
۶۷	نائینی در جنبش عراق
۷۰	فصل چهارم: سیره اخلاقی
۷۰	اشاره
۷۱	سلوک رفتاری
۷۳	تقوا
۷۳	اهمیت دادن به نماز
۷۵	احترام به قرآن
۷۵	زیارت پیشوایان دین
۷۶	احترام به ماه رمضان
۷۶	احترام به شاگردان
۷۷	نخبه پروری
۷۸	احترام به استاد
۷۸	تربیت شاگردان
۷۹	رعایت بهداشت و نظم

۷۹	فروتنی
۸۱	فصل پنجم: نائینی از منظر فرهیختگان، شاگردان و معاصران
۸۱	اشاره
۸۲	حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله
۸۳	آیت الله العظمی شیخ محمدکاظم خراسانی رحمه الله
۸۳	آیت الله العظمی سیدشهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله
۸۴	آیت الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی رحمه الله
۸۴	علامه سیدمحسن امین العاملی رحمه الله
۸۴	آقا بزرگ تهرانی رحمه الله
۸۶	آیت الله شهید مرتضی مطهری رحمه الله
۸۶	آیت الله سیدمحمود طالقانی رحمه الله
۸۷	حامد الگار
۸۷	حمید عنایت
۸۷	شیخ محمدحسین کاشف الغطا
۸۸	آقا شیخ عبدالحسین حلی
۹۱	شیخ محمدحسین مظفر
۹۲	حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی
۹۳	حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۹۳	حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی
۹۳	آیت الله مؤمن
۹۵	آیت الله مرتضوی لنگرودی
۹۷	آیت الله ممدوحی
۹۹	فصل ششم: همراه با برنامه سازان
۹۹	اشاره
۱۰۰	توصیه های کلی
۱۰۱	پیشنهادهایی برای برنامه سازان

- ۱۰۲ پرسش های مسابقه ای
- ۱۰۲ پرسش های کارشناسی
- ۱۰۴ پایان دفتر
- ۱۰۵ چهره ارشاد
- ۱۰۷ کتاب نامه
- ۱۰۷ کتاب ها
- ۱۰۸ نشریات
- ۱۰۹ درباره مرکز

زندگی و اندیشه های میرزا محمد حسین نائینی

مشخصات کتاب

عنوان نام پدیدآور: زندگی و اندیشه های میرزا محمد حسین نائینی / حسین اسحاقی؛ تهیه مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

شابک: ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۹۱-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: نائینی، محمد حسین، ۱۲۳۹ - ۱۳۱۵

موضوع: مجتهدان و علما - - ایران - سرگذشتنامه

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ / ۴۷ الف ۲ / ۵۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۳۷۴۷۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۳

زندگی و اندیشه های میرزا محمد حسین نائینی

کد: ۴۲۰

نویسنده: سید حسین اسحاقی

ویراستار: مرضیه علاقه بند

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

چاپ: زلال کوثر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۳۰۰

بها: ۱۳۰۰۰ ریال

قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۰۲۵۱-۲۹۱۹۶۷۰-۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران، جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸-۲۲۱۶۴۹۹۷ نمابر:

Email: info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۹۱-۳-۹۶۴-۲۷۶۱-۹۱-۳-۹۷۸ ISBN:

فهرست مطالب

دبیاچه ۱

پیش گفتار ۳

فصل اول ۶

حیات علمی ۶

علامه نائینی در یک نگاه ۷

شخصیت علمی علامه نائینی ۸

تدریس در نجف اشرف ۱۰

سفارش به نگارش درس ۱۲

شاگردان نائینی ۱۳

آثار و نوشته ها ۱۵

مرجعیت نائینی ۱۷

فصل دوم ۱۸

اندیشه ها و نوآوری های ۱۸

علامه نائینی ۱۸

اندیشه ها و نوآوری های علمی ۱۹

ولایت فقیه و گستره آن ۲۰

قانون اساسی ۲۲

بهره گیری بیشتر از قرآن ۲۴

رو آوردن به نهج البلاغه ۲۵

اهمیت دادن به سیره و تاریخ ۲۷

امر به معروف و نهی از منکر ۲۸

سربلندی و استقلال مسلمانان ۲۸

بایستگی تشکیل حکومت ۲۹

شورایی بودن نظام اسلامی ۳۱

اعتبار نظر اکثریت ۳۲

مساوات (برابری) ۳۳

اصالت اندیشه های نائینی (رفع يك شبهه) ۳۵

یادآوری ۳۷

فصل سوم ۳۹

فعالیت های سیاسی ۳۹

زندگی سیاسی علامه نائینی ۴۰

نائینی در نهضت مشروطه ۴۱

نائینی در جنبش عراق ۴۸

فصل چهارم ۵۱

سیره اخلاقی ۵۱

سلوک رفتاری ۵۲

تقوا ۵۴

اهمیت دادن به نماز ۵۴

احترام به قرآن ۵۶

زیارت پیشوایان دین ۵۶

احترام به ماه رمضان ۵۷

احترام به شاگردان ۵۷

نخبه پروری ۵۸

احترام به استاد ۵۹

تربیت شاگردان ۵۹

رعایت بهداشت و نظم ۶۰

فروتنی ۶۰

فصل پنجم ۶۲

نائینی از منظر فرهیختگان، ۶۲

شاگردان و معاصران ۶۲

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله ۶۳

آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم خراسانی رحمه الله ۶۴

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله ۶۴

آیت الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی رحمه الله ۶۵

علامه سید محسن امین العاملی رحمه الله ۶۵

آقا بزرگ تهرانی رحمه الله ۶۵

آیت الله شهید مرتضی مطهری رحمه الله ۶۷

آیت الله سید محمود طالقانی رحمه الله ۶۷

حامد الگار ۶۸

حمید عنایت ۶۸

شیخ محمد حسین کاشف الغطاء ۶۸

آقا شیخ عبدالحسین حلی ۶۹

شیخ محمد حسین مظفر ۷۲

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی ۷۳

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی ۷۴

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی ۷۴

آیت الله مؤمن ۷۴

آیت الله مرتضوی لنگرودی ۷۶

آیت الله ممدوحی ۷۸

فصل ششم ۸۰

همراه با برنامه سازان ۸۰

توصیه های کلی ۸۱

پیشنهادهایی برای برنامه سازان ۸۲

پرسش های مسابقه ای ۸۳

پرسش های کارشناسی ۸۳

پایان دفتر ۸۴

چهره ارشاد ۸۵

کتاب نامه ۸۶

کتاب ها ۸۶

نشریات ۸۷

دبیاچه

دبیاچه

سخن از تکلیف مداری است که سیرت و رفتارش، سربلندی اسلام بود. چه آن گاه که دبیر میرزای بزرگ بود و چه آن گاه که مشروطه به او نیاز داشت و سخن گوی مشروطه بود؛ چه روزی که بر مسند تدریس نشست و شاگردان را از اندیشه های ژرف خویش سیراب کرد و چه زمانی که پشتیبان میرزای دوم در قیام مردم عراق بر ضد انگلیس بود.

با نگاهی تک ساحتی نمی توان شخصیت بزرگ علامه نائینی را شناخت و به رمز و راز حرکت های اصلاحی او پی برد و از گوشه های پنهان نیم قرن تکاپو و تلاشش پرده برداشت. زندگی او، تفسیر حماسه پاسداری تکلیف است و شرح تاریخ مشروطیت و پایداری عالمان.

سیرت سیاسی او را تنها با کالبدشکافی قیام ها و حرکت های بزرگ سده های اخیر، همچون تنباکو، مشروطیت و انقلاب عراق می توان فهمید. سیاست او از زلال معنویت سرچشمه گرفته و سیاست و فقاقت را درهم آمیخته بود. او به راستی شریعت مدار بود و بینا، وارسته و خویشان بان و به دور از هر گونه هوا و هوس و جاه و مقام.

اینک به منظور شناساندن اسوه های حوزه، برخی از ساحت های وجودی و حرکت های اصلاحی او را بررسی می کنیم تا از سیرت و دانشش بهره مند شویم. باشد که رهنورد حقیقت و جوینده کیمیای معرفت در گنبد نیلگون هستی باشیم. از جناب آقای سیدحسین اسحاقی که تدوین این مجموعه را بر عهده داشت و از دست اندرکاران واحد اندیشمندان مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، همایش بزرگ داشت علامه نائینی و مجله گران مایه حوزه که در تهیه مطالب این نوشتار یاری گر ما بودند، سپاس گزاریم.

اِنَّهٔ وَلِیُّ التَّوْفِیْقِ

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

بعد از تولد میرزای نائینی در شهر نایین در خاندانی فاضل و روحانی، خانه شیخ الاسلام میرزا عبدالرحیم رونقی دیگر یافت. خاندان نائینی در اصفهان به بهره‌مندی از خوبی‌ها، شهره‌عام و خاص و از نظر علم و دین‌داری، زبان زد همگان بود. میرزا محمدحسین پس از تحصیلات ابتدایی، در هفده سالگی به اصفهان مهاجرت کرد و از محضر استادانی چون ابوالمعالی فرزند حاج محمدابراهیم کلباسی، شیخ محمدباقر ایوانکی فرزند شیخ محمدتقی اصفهانی و جهانگیرخان قشقایی کسب فیض کرد. پس از سیراب شدن از این معدن علم و فیض، در سال ۱۳۰۳هـ.ق حوزه اصفهان را به قصد مهاجرت به نجف اشرف ترک کرد و بلافاصله برای فراگیری علوم اسلامی در درس استادانی همچون سیدمحمد طباطبایی فشارکی، سیداسماعیل صدر و میرزا محمدحسن شیرازی حاضر شد. در کنار تحصیلات علمی، ایشان از درس اخلاق سالک الی‌الله، ملا حسینقلی همدانی بهره‌گرفت و پس از رحلت میرزای شیرازی، راهی کربلا شد. ده سال در آنجا اقامت داشت. سپس به شهر نجف بازگشت و از درس آخوند خراسانی بهره‌ها گرفت. آن‌گاه که شاکله علمی خود را پربار یافت، به پرورش شاگردانی همچون شیخ محمدعلی کاظمی خراسانی، سیدمحسن طباطبایی حکیم، سید جمال‌الدین گلپایگانی، سید محمود حسینی شاهرودی، سید محمد حجت

کوه کمری، سیدمحمدهادی میلانی، شیخ محمدتقی آملی، سیدابوالقاسم خویی، سید محمدحسین طباطبایی، میرزا هاشم آملی، شیخ محمدرضا طبسی نجفی و سید محمدحسینی همدانی همت گماشت، میرزای نائینی آراسته به خصلت های پسندیده بسیاری بود. آمده است که در قنوت نماز شب، دعای ابوحمزه ثمالی را می خواند و یک ساعت پیش از بازگشایی درب حرم، حاضر می شد و به دعا و مناجات می پرداخت. ایشان نماز شب و شب زنده داری را شرطی برای حضور در درس قرار داده بود. در مباحث فقهی و اصولی پیش تاز بود، چنان که به جهت نوآوری هایش به او لقب «مجدّد الاصول» نام نهاده اند. وی در کنار رتبه ارزنده علمی، نقش بسزایی در نهضت مشروطه داشت و از نزدیکان مرحوم آخوند خراسانی بود. این بزرگوار، تنبیه الامه را در بحران انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۷ هـ. ق به زبان فارسی نوشت و آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی آن را تأیید کردند. او از طرفداران ولایت مطلقه فقیه است که در این کتاب، تمام شئون اعتباری امام معصوم علیهم السلام را برای فقیه جامع الشرائط ثابت می داند. شهید بزرگوار آیت الله مطهری پیرامون این کتاب باارزش می نویسد:

انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، مرحوم میرزا محمدحسین نائینی رحمه الله توأم با استدلال ها، و استشهادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه، در کتاب ذیقیمت «تنبیه الامه» بیان نکرده است... ولی افسوس که جوّ عوام زده محیط ما، کاری کرد که آن مرحوم پس از نشر آن کتاب، یک باره مهر سکوت بر لب زده، دم فرو بست. (۱)

۱- مرتضی مطهری، نهضت های اسلامی در یکصد سال اخیر، قم، نشر عصر، ص ۴۶.

میرزای نائینی با شروع جنگ اول جهانی در ۱۹۱۴م. که در نتیجه آن، بخش وسیعی از خاک عراق به اشغال نیروهای انگلیسی درآمد، نقش مؤثر و حضوری فعال داشت و سرانجام سبب تبعید آیت الله نائینی و آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی به ایران شد.

از آن دریای بیکران علوم دینی، آثاری همچون تعلیقه بر عروه الوثقی، لباس مشکوک، التبعیدی و التوصلی، وسیله النجاه، سؤال و جواب های استدلالی فقهی، تقریرات اصول، لا- ضرر، احکام خلل، معانی حرفیه، تراحم و ترتب، تنبیه الامه و تنزیه المله و... بر جا مانده است. استاد نامدار در طول یک عمر تلاش و اجتهاد علمی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، سرانجام در ۲۶ جمادی الاولی سال ۱۳۵۵ هـ. ق ندای حق را لبیک گفت و به جوار رحمت ایزدی پیوست و پیکر مطهرش پس از اقامه نماز به امامت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، در کنار حرم مطهر حضرت علی علیه السلام به خاک سپرده شد. آنچه در پی می آید، نمی است از یمی و قطره ای است از دریای فضایل استاد بزرگوار، میرزای نائینی که پس از خامه و پژوهشی ارباب قلم در این زمینه، نگاشته شده است. امید که در بازنمایی چهره زلال و گران سنگ استاد فرزانه گامی ناچیز بردارد و روزی به کارمان آید که الیوم لا ینفع مال و لا بنون الا من اتی الله بقلب سلیم.

فصل اول: حیات علمی

اشاره

فصل اول: حیات علمی

زیر فصل ها

علامه نائینی در یک نگاه

شخصیت علمی علامه نائینی

تدریس در نجف اشرف

سفارش به نگارش درس

شاگردان نائینی

آثار و نوشته ها

مرجعیت نائینی

علامه نائینی در یک نگاه

علامه نائینی در یک نگاه

او در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۷۶ هـ. ق (۱) در نائین اصفهان و در خانواده ای روحانی چشم به جهان گشود و زیر نظر پدرش حاج میرزا عبدالرحیم، از خاندان بزرگ منوچهری تربیت شد. تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود به پایان رساند و برای ادامه تحصیل در سطوح عالی و خارج، رهسپار حوزه نجف و سامرا شد و در ردیف شاگردان نامدار آیت الله حاج میرزا محمدحسن شیرازی و مرحوم آیت الله سیدمحمد اصفهانی قرار گرفت.

زندگی او تفسیر حماسه مرزبانی دین و شرح تاریخ مشروطیت و پایداری عالمان در قیام عراق و فلسفه پایداری حوزه ها در سده های اخیر است. او پس از عمری روشنگری، دانش آموزی، دادرسی، رسیدگی به امور مردم، تلاش در راه استقلال و سربلندی کشورهای اسلامی و مبارزه بی امان با استبداد و کژاندیشی ها، در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۵۵ هـ. ق به دیدار حق شتافت. آیت الله علامه میرزا محمدحسین نائینی، از نامورترین مراجع عصر خود و از پژوهشگران برجسته و نکته سنج در اصول و فقه است، تا جایی که او را «مجدد نوآور علم اصول» نامیده اند. بیشتر مراجع و عالمان دوران معاصر، از دانش و اندیشه این اندیشمند بزرگ به طور مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته اند. این سیاست مدار الهی که اندیشه سیاسی اش از زلال معنویت سرچشمه می گرفت، در صحنه های سیاسی و اجتماعی چون خورشیدی فروزان بر تارک جوامع اسلامی درخشید.

۱- این تاریخ بر اساس کتاب فقهای نامدار شیعه است. بعضی از بزرگان همچون آقا شیخ عبدالحسین حلی، تولد علامه را در سال ۱۲۷۳ هـ. ق دانسته اند. در مجله حوزه، شماره ۷۶ و ۷۷، ص ۳۰ تاریخ ولادت ایشان، سال ۱۲۷۲ هـ. ق و در کتاب گلشن ابرار، سال ۱۲۷۷ هـ. ق آمده است.

شخصیت علمی علامه نائینی

شخصیت علمی علامه نائینی

او پیوسته در حال فراگیری و آموزش و پژوهش بود. در فقه و اصول از سرآمدان روزگار خویش به شمار می رفت و در بسیاری از دانش های اسلامی همچون حکمت، فلسفه، عرفان و ریاضی صاحب نظر بود. همچنین با بهره گیری فراوان از محضر بهترین استادان در اصفهان، سامرا و نجف کوشید در مکتب فقهی سامرا، شاگردان و فقیهانی روشن فکر پروراند. ایشان با گلایه از بی توجهی در عرضه مسائل نوپدید و نیازهای اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی بر پایه دین، می فرمود:

چگونه از لا-تنقض الیقین بالشک آن همه قواعد لطیفه استخراج نمودند، ولی آن همه تعالیم بلند و زندگی ساز اجتماعی و سیاسی قرآن و سنت و نهج البلاغه را نادیده گرفته و با کمال سر به زیری، از دیگرانی که راه و رسم قانون گذاری را از ما آموخته اند، راه می گیریم. (۱)

او با این دیدگاه، روشی نو و دگرگونی بزرگی در آموزش و تربیت شاگردان پدید آورد، به گونه ای که شیخ محمدحسین مظفر می گوید:

او تنها نه فقیه می پرورید که مرزبان دین می ساخت، در ضمن درس آنچه لازم بود، در عمل و گفتار به شاگردان می آموخت. در بین درس، شاگردان را به نکاتی از تاریخ و احوال علما توجه می داد و یا لجنه های علمی را معرفی و به شرکت در آن محافل تشویق می کرد. (۲)

استاد ما به مقدار حاجت، علم فقه و علم اصول را تعلیم می داد و آنچه از فصل ها و باب های علم اصول بیان می فرمود، مسائلی بود مربوط و در تماس خاص با استنباط باب های فقه و آنچه فقیه مستنبط به آن نیاز دارد، تا قواعد را استنباط کند. او نشان می داد کدام فرع مبتنی بر کدام اصل است به شرحی مبسوط و بیانی

۱- میرزا محمدحسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم، احسن الحدیث، ۱۴۱۹ هـ. ق، ص ۵۶۱.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۵۴.

وافی، به گونه ای که مسائل فقهی را با مسائل اصولی تطبیق می داد و با مبانی روشن و شیرین، روابط بین دو علم را روشن می ساخت. (۱)

علامه نائینی در زمینه فقه، باب بندی جدیدی عرضه کرد و در معاملات، افزون بر تقسیم بندی عقود و القائات به شیوه ای نو، شاخه های هر کدام را نیز روشن ساخت. او در زمینه ولایت فقیه و در تقسیم احکام به تبلیغی و ولایی و اختیارات حاکم، به نوآوری دست زد و زمان و مکان را در تعبیر و تفسیر اجتهاد، به ویژه جابه جایی موضوع ها و گزاره ها، مؤثر دانست و در جای جای فقه از آن بهره گرفت. همچنین تاریخ، سیره و به ویژه قرآن و نهج البلاغه را در اجتهاد و احکام اجتماعی اسلام وارد و مفاهیمی نو در دنیای فقاها مطرح کرد. او از بی استفاده ماندن نهج البلاغه افسوس می خورد و می گفت: «چرا از میرزای بزرگ نباید سرمشق گرفت و از احکام و تعالیم نهج البلاغه، چونان نامه مالک اشتر، نباید در فقاها بهره برد». (۲)

ایشان در دانش اصول نیز تعریفی نو عرضه کرد و افق های جدیدی در منطق استنباط گشود. متمم جعل، برابرسازی جعل احکام شرعی بر قضایای حقیقی و همانندی آنها با قوانین کلی کشورها و ده ها موضوع دیگر، نمایان گر تلاش او در کارآمدسازی علم اصول و توان مندی در پاسخ گویی به نیازهای سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی است. امام خمینی رحمه الله با اینکه شاگرد مرحوم نائینی نبوده، محور بحث های اصولی خود را نقل و نقد دیدگاه های وی قرار داده است.

۱- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۵۱.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۱۰۴.

تدریس در نجف اشرف

تدریس در نجف اشرف

نائینی با داشتن جایگاه بلند علمی و آگاهی های گسترده، بر سکوی استادی در حوزه نجف اشرف ایستاد و با وجود مدرسانی بلندآوازه چون آخوند خراسانی، تدریس فقه و اصول را در این حوزه آغاز کرد. شمار بسیاری از دانشمندان، به دلیل دقت نظر و باریک اندیشی ویژه استاد، در درس او شرکت می کردند. سیدمحسن امین درباره اهمیت و جایگاه درس نائینی در نجف اشرف می نویسد: «حوزه درس نائینی در نجف اشرف، از بزرگ ترین حوزه های درس و بحث بود».^(۱)

میرزای نائینی برای عموم دانشمندان و طلبه های حوزه نجف، دو درس رسمی فقه و اصول داشت که صبح فقه و شب، اصول تدریس می کرد. دوره درس خارج اصول وی به طور معمول حدود هشت تا نه سال می کشید. افزون بر این، تدریس ویژه ای برای شاگردان برگزیده خویش داشت که در آن جلسه، مشکلات علمی را طرح و به آنها رسیدگی می کرد.^(۲)

نائینی درس را با کلام شیرین و به دور از تکرار و چنان دقیق بیان می کرد که جای هیچ پرسشی باقی نمی ماند. درس وی از اطلاعات گسترده، مباحث سودمند و دسته بندی ویژه و کم مانندی برخوردار بود.

او هر بحثی را بسیار دقیق و پرنکته آموزش می داد و مطالب علمی را در چارچوب اصطلاح، برهان منطقی و فلسفی و در سطحی بالا- شرح می داد، به گونه ای که درخور درک و فهم همه شرکت کنندگان نبود. بنابراین، کسانی می توانستند از درس وی بهره برند که اندوخته علمی شان در سطح عالی بود و در فقه و اصول صاحب نظر بودند.

۱- محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، جزء ۴۴، ص ۲۵۸.

۲- همان، ج ۶، ص ۵۴.

آقا بزرگ تهرانی درباره سطح عالی درس نائینی می نویسد:

درس نائینی از درس هایی بود که مردان دانش، شایستگی بهره وری از آن را داشتند. در زمان استاد ما، شیخ الشریعه اصفهانی، حوزه درس نائینی رونق و گسترش ویژه ای به خود گرفت. وقتی شیخ الشریعه به رحمت ایزدی پیوست، نائینی نامش بر سر زبان ها افتاد و شمار بسیاری از مردم مسلمان شهرهای دور، در امر تقلید به او رجوع کردند.^(۱)

مطالبی که می آموخت، به اندازه ای ژرف و اندیشه علامه تا آنجا بلند بود که طلبه هایی که در آغاز درس خارج بودند، نمی توانستند به درستی بهره ببرند. از این رو، درس وی ویژه برگزیدگان حوزه نجف بود. آقا بزرگ تهرانی درباره جایگاه بلند علامه نائینی و شاگردان برجسته اش می نویسد:

درس نائینی به خاطر شیوه ویژه وی در تدریس، دقت نظرها و باریک بینی های وی در پژوهش و ژرفایی و دشواریابی مطالب، بی مانند و ویژه بود. از این رو، در درس وی جز افراد توانا، دانشمند و صاحب نظر شرکت نمی جستند. از آن جا که طلاب مبتدی و متوسط نمی توانستند از مطالب دقیق درس [او] بهره برند، در آن بحث جایی نداشتند. از این روی، درس نائینی طرفداران و اصحاب خاصی داشت. شخصیت هایی که مایه امید آینده بودند و حوزه به آنان چشم دوخته بود، در آن حلقه درس ساخته می شدند و چنین نیز شد؛ زیرا از بین آنان نخبگانی برخاستند که توانایی پیشگامی در حرکت علمی و فکری جامعه و حوزه علمی نجف را داشتند و مدرسان بنامی چون سید ابوالقاسم خوبی پا به عرصه تدریس نهاد.^(۲)

۱- آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، دارالمرتضی، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲- آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، دارالمرتضی، ج ۲، ص ۵۹۴.

سفارش به نگارش درس

سفارش به نگارش درس

پیش از زمان نائینی، نوشتن درس استاد در حوزه های علمیه رایج نبود و استادان به این مسئله توجهی نداشتند، ولی نائینی به نگرانی از ننگه داری درس و یادداشت برداری از مطالب علمی بسیار توجه می کرد و از شاگردان خود می خواست مطالب درس را کامل بنویسند. از این رو، بیشتر شاگردان وی مطالب را با دقت می نوشتند و هر از چند گاهی آن را به استاد عرضه می داشتند. علامه نیز برای رشد و کمال علمی آنان، رهنمودهای لازم را تذکر می داد. از آقا سید جمال گلپایگانی اصفهانی نقل شده است:

من یک طاقچه تقریرات درس آقا را دارم. حدود سی سال در خدمت مرحوم نائینی بودم و تا آخرین روز درس، همه مطالب را یادداشت کردم. (۱)

آقای حسینی همدانی نیز می گوید:

من پس از اتمام کفایه در درس اصول نائینی شرکت می کردم. مرحوم نائینی به من فرمودند: شما هم به درس من می آید؟ بنده عرض کردم: بله. ایشان فرمودند: مانعی ندارد، به شرط اینکه درس را بنویسید و برای من بیاورید که آن را ببینم. من چند سال درس ایشان را می نوشتم و هر چند وقت یک بار، نوشته ها را که چند دفتر می شد خدمت ایشان می بردم و ایشان مطالعه می فرمودند. اگر مدتی می گذشت و نوشته های درس را خدمت ایشان نمی بردم، مطالبه می فرمودند. (۲)

بی شک، یادداشت برداری از درس استاد فایده های بسیاری دارد. از جمله آنکه درس با ویژگی های خود ماندگار می شود و پژوهشگران امکان نقد و بررسی آخرین دیدگاه ها را پیدا می کنند و نظریه ها و نوآوری ها با مرگ آفرینندگان آنها، به فراموشی سپرده نمی شود. افزون بر اینها، گنجینه ای است

۱- مجله حوزه، ش ۳۰، ص ۴۲.

۲- مجله حوزه، ش ۳۰، ص ۴۲.

برای حوزه ها و نسل های بعدی و راهی است برای آشنایی با شیوه های گوناگون و راه نمایی است برای حرکت به سوی کمال و رشد.

شاگردان نائینی

شاگردان نائینی

بر اثر تیزبینی و ژرف اندیشی علامه، کانون درس و بحث او، مهد تربیت دانشمندان برجسته و مجتهدان توانا شد، به گونه ای که بیشتر شاگردان وی در فقه و اصول به درجه اجتهاد نزدیک شدند و قله های دانش را فتح کردند. تربیت یافتگان درس نائینی با بهره هایی که از دانش وی گرفته بودند، در سرزمین اسلامی روحی تازه دمیدند و مراکز علوم اسلامی را با تدریس مجتهدپرور خویش رونق بخشیدند و حدود نیم قرن، قافله سالار کاروان فقه و اصول بودند. بزرگانی که از محضر پرفیض علامه نائینی بهره مند شدند، عبارتند از:

۱. شیخ موسی خوانساری نجفی (م ۱۳۶۳ ه.ق) از نخبگان و نویسندگان درس اصول و فقه نائینی بود که بخش فقه آن با عنوان منیه الطالب فی حاشیه المکاسب برای استفاده پژوهشگران در دو جلد به چاپ رسیده است.

۲. شیخ محمدعلی کاظمینی خراسانی (م ۱۳۶۵ ه.ق) از شاگردان پژوهشگر و بنام در حوزه درس اصول نائینی و گردآورنده این درس بود. وی این نوشته ها را در چهار بخش با عنوان فوائدالاصول در دسترس پژوهشگران این دانش قرار داده است.

۳. محمدتقی آملی (م ۱۳۹۱ ه.ق) از شاگردان پرآوازه و دانشمند نائینی و گردآورنده دوره دوم درس مکاسب اوست که با عنوان المکاسب و البیع چاپ و منتشر شده است. همچنین، شرح بسیار سودمندی بر کتاب عروه الوثقی نوشته است که مصباح الهدی نام دارد و در آن دیدگاه های جدید و بسیار سودمند

دیده می شود.

۴. سیدابوالقاسم خوئی (م ۱۴۱۳ ه.ق) از شاگردان مشهور حوزه درس نائینی است که بیشترین بهره های علمی خود را از محضر وی گرفته و تا واپسین لحظه های زندگی پر بار استاد، همراهش بوده است. وی درس استاد را برای دیگر شاگردان میرزا می نوشته و خود نیز به نگارش درس، به ویژه اصول بسیار اهمیت می داده که اجود التقریرات، نتیجه این تلاش هاست.

۵. سیدمرتضی لنگرودی (م ۱۳۶۱ ه.ق)

۶. سیدصدرالدین جزایری (م ۱۳۹۳ ه.ق)

۷. شیخ حسین حلّی (م ۱۳۹۴ ه.ق)

۸. شیخ ابراهیم کرباسی (ت ۱۳۲۲ ه.ق)

۹. میرزا محمدباقر زنجانی (م ۱۳۹۴ ه.ق)

۱۰. سیدحسن بجنوردی (م ۱۳۹۵ ه.ق)

۱۱. سید محمدهادی میلانی (م ۱۳۹۵ ه.ق) (۱)

۱۲. آقا سیدجمال الدین گلپایگانی (م ۱۳۷۷ ه.ق)

۱۳. محمدحجت کوه کمری (مؤسس مدرسه حجتیه قم)

۱۴. آیت الله سیدمحسن حکیم

۱۵. آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبایی (صاحب المیزان). (۲)

۱- حرزالدین، معارف الرجال، کتاب خانه آیت الله مرعشی رحمه الله، ج ۱، ص ۲۸۵؛ محمدعلی حبیب آبادی، مکارم الآثار، اصفهان، نشر نفائس مخطوطات، ج ۶، ص ۲۱۷۷.

۲- عقیقی بخشایشی، فقهای نامدار شیعه، قم، انتشارات کتاب خانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۲ ه.ق، ص ۴۰۵.

آثار و نوشته ها

آثار و نوشته ها

نائینی در ادبیات عرب و فارسی بسیار توان مند بوده است. آقا بزرگ تهرانی درباره دانش سرشار ادبی وی می نویسد: «نائینی در ادبیات فارسی و عربی تبحر داشت و آن را به خوبی می دانست»^(۱).

ایشان از بزرگان اهل قلم بود و آثار ارزشمندی که از وی بر جای مانده، گواه دانش بالا و نبوغ و ابتکار چشم گیر اوست. از جمله این آثار می توان از این موارد نام برد:

۱. حاشیه بر عروه الوثقی: عروه الوثقی، نوشته سیدمحمد کاظم یزدی رحمه الله، به خاطر کاربرد فراگیر و امتیازهای بسیار، از همان آغاز، توجه ویژه فقیهان را جلب کرد و حاشیه های فراوانی بر آن نگاشته شد. یکی از این حاشیه های عالمانه و مبتنی بر پژوهش، حاشیه مرحوم نائینی است. وی در این حاشیه، به بیان نظر و فتوای خود بسنده کرده و دیدگاه های خویش را جدا از متن عروه، در جدولی با تعیین صفحه، سطر و کلمه ای که حاشیه به آن مربوط می شود، عرضه کرده است.^(۲)

۲. وسیله النجاه: این اثر، رساله عملیه مختصری به زبان فارسی است که باب های عبادات، معاملات و میراث را دربردارد.

متن آن تبصره المتعلمین علامه حلی است که با فتوای نائینی برابر و به ترتیب همان کتاب نوشته شده است.

۳. تنبیه الامه و تنزیه المله: در این اثر، نائینی برای اثبات مشروع بودن

۱- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۹۵.

۲- آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ج ۶، ص ۱۴۹. آقا بزرگ تهرانی، آقا بزرگ تهرانی، آقا بزرگ تهرانی، آقا بزرگ تهرانی، آقا بزرگ تهرانی،

مشروطیت و دفاع از آن در برابر استبدادپیشگان، درباره مسائل اساسی همچون حکومت، قانون، نظام استبداد، مبانی آزادی، مساوات و عدالت بر مبنای استدلال‌های فقهی و اصولی، بحث کرده است. دو مرجع شیعه، آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، بر این اثر تقریظ نوشته و آن را تأیید کرده‌اند. تنبیه الامة و تنزیه المله در زمان استبداد صغیر به زبان فارسی نگاشته شده و در سال ۱۳۲۷هـ. ق، در عراق و سپس بارها در ایران به چاپ رسیده است. از جمله: با مقدمه، تصحیح و حاشیه آیت الله سید محمود طالقانی.

۴. رساله‌های فقهی و اصولی: بنا به گفته شاگرد و همراه نائینی، حسینی همدانی، نائینی در بیشتر باب‌های فقه و مسائل اصول، رساله تحقیقی داشته، ولی از آن جا که ادیب بوده است و اشتباه ادبی در نوشته‌هایش را تحمل نمی‌کرد و به چاپ و نشر این آثار علاقه‌ای نشان نمی‌داد، به همین دلیل، بسیاری از نوشته‌های تحقیقی ایشان از بین رفته است یا به صورت خطی در کتاب‌خانه‌ها نگه‌داری می‌شود. رساله‌های علمی که در کتاب‌های تراجم و فهرست مؤلفان، برای نائینی شمرده شده، عبارتند از:

__ رساله در خلل نماز؛

__ رساله در لباس مشکوک؛

__ رساله در نفی ضرر؛

__ رساله در باب تراجم؛

__ رساله در شرط متأخر؛

__ رساله در تعبدی و توصلی؛

رساله در ترتب، رساله ای در معانی حرفیه. (۱)

همچنین پرسش و پاسخ های استدلالی فقهی که مرحوم حجت الاسلام آقا شیخ حسین حلی آنها را گرد آورده، ولی تاکنون چاپ نشده است. (۲)

مرجعیت نائینی

مرجعیت نائینی

پس از رحلت دو مرجع بزرگ، محمدتقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی، مقام والای مرجعیت شیعه به چند تن از مجتهدان رده اول که در شرایط یکسان، شایستگی مقام مرجعیت را داشتند، منتقل شد.

مردم مسلمان، بنا به تکلیف شرعی خویش وظیفه داشتند یکی از این مجتهدان را به عنوان مرجع تقلید خویش برگزینند. در این دوره، یکی از مجتهدان برجسته که برازندگی این مقام را داشت و مردم مسلمان از دور و نزدیک نزد او می آمدند، محمدحسین نائینی بود. (۳) با این حال، در دوران مرجعیت وی، مراجع دیگری نیز بودند که از نظر جایگاه علمی و اجتماعی با او برابر بودند. پس ایشان مرجعیت عامه نیافت. (۴)

۱- عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۴۲.

۲- فقهای نامدار شیعه، ص ۴۰۵.

۳- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۹۴.

۴- مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۱۷۲.

فصل دوم: اندیشه ها و نوآوری های علامه نائینی

اشاره

فصل دوم: اندیشه ها و نوآوری های علامه نائینی

زیر فصل ها

اندیشه ها و نوآوری های علمی

ولایت فقیه و گستره آن

قانون اساسی

بهره گیری بیشتر از قرآن

رو آوردن به نهج البلاغه

اهمیت دادن به سیره و تاریخ

امر به معروف و نهی از منکر

سربلندی و استقلال مسلمانان

بایستگی تشکیل حکومت

شورایی بودن نظام اسلامی

اعتبار نظر اکثریت

مساوات (برابری)

اصالت اندیشه های نائینی (رفع یک شبهه)

یادآوری

اندیشه ها و نوآوری های علمی

اندیشه ها و نوآوری های علمی

نوبینی و نوگرایی لازمه و نشانه حیات آدمی است. نوآوران در طول تاریخ با نوآفرینی های خود، زندگی را پویا و شاداب ساخته و به سوی تکامل رهنمون شده اند. آنها میراث گران قدر پیشینیان را پاس داشته و با دمیدن روح تازه در آن و دگرگون ساختن قالب ها و شیوه ها، آن را با گذر زمان هماهنگ کرده اند.

نوآوران دینی در پیرایش و آرایش مسائل دینی و فقهی نیز گام های مثبت و راه گشایی برداشته اند، از جمله:

۱. اثبات توانایی دین در اداره و پیش برد اجتماع.

۲. زدودن سستی و ناامیدی از دین داران و تقویت توان روحی و فرهنگی آنان.

۳. عرضه مفهوم درست از شریعت و تمامیت قانون های آن، به فرد و جامعه و نیز برقراری پیوند ناگسستنی میان دین و سیاست.

در باور این فقیهان، صدور فتوا و احکام شرعی، بدون شناخت حوادث نوپدید ممکن نیست. نوآوران دینی همواره با دو مشکل اساسی روبه رو بوده اند:

نخست وجود افراد تنگ نظر که دین و شریعت را از زاویه فردی و شخصی می نگرسته اند و با هر گونه نوفهمی سر ناسازگاری داشته اند.

مشکل دیگر عوام بودند که تحت تأثیر همان دسته نخست، با هر گونه نوآوری سر ستیز داشتند و با هیاهو و تبلیغ، آسمان حقایق را غبارآلود می ساختند. و چه بسا پاکانی را با تهمت و افترا از صحنه خارج می کردند.^(۱)

میرزای نائینی از ماندگارترین چهره های نواندیش حوزه است که خود را برای هر گونه هجوم و حمله آماده کرده بود.

۱- امام خمینی، صحیفه نور، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۲۱، صص ۹۱ _ ۹۳.

ولایت فقیه و گستره آن

ولایت فقیه و گستره آن

امامت و رهبری، روح دین و احکام دینی است و بدون آنها، شیرازه احکام فردی و اجتماعی از یکدیگر گسسته می شود. (۱)

از این رو، در منابع فقهی وقتی از پایه های اساسی اسلام سخن به میان آمده، ولایت، از همه آنها برتر دانسته شده و ولی، کلید دیگر ارزش ها و احکام به شمار آمده است. (۲) علامه نائینی که به تمامیت دین و نقش زیربنایی امامت و رهبری در زندگی امت اسلامی پی برده بود، مسئله ولایت امامان معصوم علیهم السلام و سپس ولایت فقیهان عادل در عصر غیبت را به شایستگی مطرح کرد و با شیوه فقیهانه، مستدل و منطقی، آن را به اثبات رساند. ایشان در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله، مسئله ولایت را در چند محور پی می گیرد:

۱. ضرورت رهبری: همه امت ها برای نظم دادن به امور و حفظ استقلال و باورهای ملی و مذهبی خویش، به فرمانده و رهبر نیاز دارند. (۳)

۲. وظیفه حاکمان و والیان: حفظ نظام، ایجاد عدالت اجتماعی، جلوگیری از تجاوز به حقوق دیگران، آماده ساختن نیروهای دفاعی، پرورش استعداد های نظامی و جلوگیری از دخالت بیگانگان. (۴)

۳. گونه های حکومت ها: تملیکیه و ولایتیه و ویژگی های هر یک. وی در نتیجه گیری از این مطلب، می فرماید: حکومت اسلام بر شیوه ولایت یک فرد شایسته بدون هیچ گونه مزیت برای او، از اظهر ضروریات دین اسلام است و

۱- مجله حوزه، به نقل از: نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی.

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ. ق، ج ۱، ص ۷.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۶.

۴- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۷.

تحويل حكومت ولايتيه به سلطنت، از زمان معاويه و شجره ملعونه بنى اميه آغاز شده است. (۱)

۴. حقيقت حكومت اسلامى به ولايت و امانت ولّى است. در صورت خارج شدن ولّى از اين محدوده، شايستگى عهده دارى اين مقام را نخواهد داشت. (۲)

۵. زمانى كه دسترسى به امام معصوم عليه السلام و پذيرش ولايت او ممكن نباشد، فقيهان عادل و خودساخته و خدامحور، ولايت خواهند داشت. (۳)

از سخنان نائينى در تنبيه الامه و ديگر نوشته ها به اين نتيجه مى رسيم كه وي حكومت فقيه جامع الشرايط را در زمان غيبت، حكومتى شايسته مى دانسته است:

اگر يكي از مجتهدان جامع الشرايط، به والى اذن در حكومت دهد، ظلم به مقام امانت نيز برداشته مى شود و حكومت، مشروعيت كامل خود را بازمى يابد. (۴)

از ديدگاه وي، فقيهان داراى شرايط، بايد به مقتضاي نيابت ثابته در عصر غيبت، قانون گذارى را در غير منصوصات بر عهده گيرند و در اين هنگام، پيروي از احكام آنان نيز واجب خواهد بود. (۵)

افزون بر اينها، نائينى در درس خارج خود به نقل ديدگاه ها و دليل هاى ولايت فقيه پرداخته و دلالت مقبوله عمر بن حنظله را بر ولايت فقيه تأييد کرده و به اشكال هاى وارد بر اين روايت پاسخ داده است. وي گستره ولايت فقيه را از توقيع مبارك (۶) برداشت مى كند و بر اين نظريه سه شاهد مى آورد:

در اين توقيع آمده است:

۱- تنبيه الامه و تنزيه المله، ص ۱۲.

۲- تنبيه الامه و تنزيه المله، ص ۴۶.

۳- تنبيه الامه و تنزيه المله، ص ۴۶.

۴- تنبيه الامه و تنزيه المله، صص ۴۷ و ۴۸.

۵- تنبيه الامه و تنزيه المله، صص ۹ _ ۱۲ و ۱۴۰.

۶- و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى رواه احاديثنا فانهم حجتى عليكم و انا حجه الله.

۱. مردم در خود حوادث، به فقیه مراجعه کنند نه در احکام آنها.

۲. دور است که پرسش کننده، بایستگی رجوع به فقها را در احکام موضوع های جدید نداند. پس معلوم می شود که از ولایت عامه فقیه پرسیده است.

۳. دلیل آوری امام در توقیع، درباره حجت بودن فقها بر مردم، با جنبه ولایت و سرپرستی آنان سازگارتر است تا بیان احکام. (۱)

امام خمینی رحمه الله می فرماید:

مرحوم نراقی و از متأخرین مرحوم نائینی، تمام مناسب و شئون اعتباری امام را برای فقیه ثابت می دانند. (۲)

بنابراین، نائینی بسان دیگر فقیهان همچون نراقی، میرفتاح و صاحب جواهر، حکومت اسلامی را در دوره غیبت، در ولایت فقیه جلوه گر می دانست. از این رو، مجلس شورای ملی را زمانی مشروع می دانست که گروهی از مجتهدان عادل یا نمایندگان ایشان، به دقت بر سیر قانون گذاری نظارت و قانون های وضع شده را اصلاح و اجرا کنند. (۳)

قانون اساسی

قانون اساسی

علامه نائینی قانون اساسی را همچون رساله های عملیه مجتهدان می دانست و معتقد بود همان گونه که مجتهدان در باب عبادات، معاملات و غیر آن رساله های عملیه می نویسند تا مقلدان بر اساس آن عمل کنند، در امور سیاسی و اجتماعی نیز باید قانونی نوشته شود تا کارگزاران حکومت بر اساس آن انجام وظیفه

۱- المکاسب و البیع، ج ۲، ص ۳۳۷.

۲- حکومت اسلامی، ص ۸۵.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، تقریرات درسی میرزای نائینی، گردآورنده: شیخ محمدتقی آملی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ص ۱۵.

کنند. (۱) همچنین، تأکید داشت که قانون اساسی باید با اسلام هماهنگ باشد. (۲) وی یکی از کارهای مهم نمایندگان مجلس شورای ملی را قانون گذاری دانسته و در روشن ساختن قلمرو آن، احکام اولیه و ثانویه را به منصوصات و غیرمنصوصات تقسیم کرده است و بر این باور بوده که در قسم نخست، چون حکمشان در شریعت روشن است، نیازی به قانون گذاری نیست. این گونه احکام در خور نسخ و تغییر دادن نیز نیستند، بلکه تا روز قیامت اعتبار و ارزش خواهند داشت، ولی غیرمنصوصات که حکمشان در شریعت نیامده، حاکم اسلامی باید راه حل و قانون مناسبی برای آنها وضع و پیشنهاد کند. این گونه موارد پیرو مصالح و شرایط زمانی و مکانی هستند و متناسب با اختلاف آنها، نیازمند دگرگونی اند. در زمان حضور امام خود و یا نمایندگان ایشان این وظیفه را بر عهده دارند، ولی در دوران غیبت، نمایان عام یا نمایندگان خاص ایشان در این امر دخالت می کنند و این وظیفه را به انجام می رسانند.

علامه نائینی در این تقسیم بندی، فروعی قرار داده است:

۱. قانون ها و دستورهایی که در هماهنگی سازی آنها با شرع باید دقت شود، ویژه قسم نخست است.

۲. شورا که اساس حکومت اسلامی است، در قسم دوم قرار می گیرد و در قسم نخست جای رایزنی نیست.

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، تقریرات درسی میرزای نائینی، گردآورنده: شیخ محمدتقی آملی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ص ۵۸.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، تقریرات درسی میرزای نائینی، گردآورنده: شیخ محمدتقی آملی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، صص ۹۷ و ۹۸.

بهره‌گیری بیشتر از قرآن

بهره‌گیری بیشتر از قرآن

قرآن، معجزه جاوید پیامبر اسلام و برنامه زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان است. اهمیت دادن مسلمانان به قرآن و عمل به رهنمودهای آن، آنها را گرامی و جامعه را سرفراز می‌سازد. کتاب خدا، یکی از منابع چهارگانه استنباط احکام شرعی و فقهی است. فقیهان، هر مسئله و فرع فقهی را نخست با معیار قرآن می‌سنجند و اگر از آن به نتیجه نرسیدند، سراغ دیگر دلیل‌ها می‌روند. البته به گفته فقیهان، آیات الاحکام، بیش از پانصد آیه نیست. در زمان نائینی نیز همان آیات مشهور محور بحث قرار می‌گرفته و به دیگر آیات توجهی نمی‌شده است. میرزای نائینی با شیوه‌ای نو و ابتکاری، قرآن را به صحنه آورد و اصول بنیادی آن را در مباحث فقهی به ویژه فقه حکومتی به کار برد و روزنه جدیدی در پژوهش‌های قرآنی و فقهی گشود. شهید مطهری در این باره می‌نویسد:

باید انصاف داد که تفسیر دقیق از توحید عملی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ مرحوم میرزا محمد حسین نائینی رحمه الله توأم با استدلال‌ها و استشهادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه در کتاب ذی قیمت تنبیه الامه بیان نکرده است. (۱)

نائینی در بررسی ریشه‌های عقب ماندگی مسلمانان از قافله تمدن، دلیل اصلی این بدبختی را تن دادن مسلمانان به استبداد خوانده و با استناد به چند آیه از قرآن، چهره مستبدان و مستکبران را نشان داده است:

وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ. (شعراء: ۲۲)

و منت این نعمت را بر من می‌نهی و حال آنکه بنی اسرائیل را برده ساخته‌ای.

فَقَالُوا أَتُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ. (مؤمنون: ۴۷)

فرعون و اطرافیان او گفتند آیا به دو انسان [موسی و هارون] که همانند ما هستند و قومشان بندگان ما بودند، ایمان بیاوریم.

مرحوم نائینی با استشهاد به آیه «و تَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ؛ و واگذارید [پس از مرگ] آنچه از مال ها، چهارپایان به تصرف شما داده بودیم.» (انعام: ۹۴) «خولا» را به معنای گسترش و همگانی کردن بندگی می داند که مستبدان، بندگان خدا را بنده و مانند حیوان های خود می دانند و از مجموع این آیات نتیجه می گیرد که هرگونه تن دادن به حکومت های ستم پیشه، شرک و طاغوت پرستی است و باید تا حد امکان، خود و جامعه را از زیر بار این بندگی رهااند.

بدین سان، نائینی با استفاده از آیات قرآن، دیگران را به بهره مندی بیشتر از قرآن فرامی خواند و پس از او نیز رویکرد به قرآن در حوزه نجف خودنمایی می کرد و یکی از شاگردان برجسته ایشان، با نگارش نخستین جلد تفسیر البیان تکاپوی بیشتری به این جریان بخشید.

رو آوردن به نهج البلاغه

رو آوردن به نهج البلاغه

پس از قرآن، سخنان پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام، برترین کلام و بهترین پیام به شمار می روند. در این میان، کلام علی علیه السلام بهترین نمونه ای است که جلوه ای از کلام پروردگار را در خود دارد. در نهج البلاغه، روش حکومت اسلامی و آیین کشورداری، شیوه قضاوت، جهاد، برقراری عدالت اجتماعی، نگرهبانی از خزانه ملت، حاکم ساختن ارزش ها و ضابطه ها بر رابطه ها و واسطه ها، احیای امر به معروف و نهی از منکر، برپا کردن حدود الهی و راه رفع فتنه ها و فسادها، بر اساس فقه و فرهنگ شیعی بیان شده است.

باید پذیرفت که نه در دانش فقه و نه در دانش کلام، به نهج البلاغه اهمیت لازم داده نشده است، ولی میرزای نائینی از اندیشه حاکم بر محیط خود فراتر

رفت و در برابر عظمت کلام علوی فروتنی ورزید و در جای جای مباحث علمی و فقهی خود از این دریای بی کران بهره برد، چنان که در استنباط های فقهی، از واژگان نهج البلاغه استفاده و در تفریح فروع فقهی به ویژه در زمینه احکام سیاسی، اجتماعی و قضایی، به سخنان مولا علی علیه السلام استناد می کند. بدین ترتیب، بسیاری از دشواری ها را با راهنمایی های مولا- می گشود. او دست پرورده مکتب سامرا و شاگرد میرزای شیرازی بود که پیش از درس، یکی از شاگردان، بخش هایی از نهج البلاغه را می خواند، آن گاه مباحث فقهی شروع می شد.

نائینی سلطنت اموی را به حکومت فرعونیان مانند می داند و در این اشاره ظریف و زیبا که از تبدیل حکومت اسلامی به سلطنت اموی و حاکمان اسلامی به اربابان و زورمداران و زرمحوران حکایت دارد، به دو بخش از سخن امام علی علیه السلام در نهج البلاغه استناد می جوید:

إِتَّخَذَتْهُمْ الْفِرَاعِيَّةُ عِبِيدًا... كَأَنَّ الْأَكَاسِرَةَ وَالْقِيَاصِرَةَ أَرْبَابًا لَهُمْ يَحْتَازُونَهُمْ عَنْ رِيفِ الْأَفَاقِ وَبَحْرِ الْعِرَاقِ وَخُضْرَةِ الدُّنْيَا إِلَى مَنَابِتِ الشَّيْخِ (۱).

فرعونان آنان را به بندگی گرفتند... کسرها و قیصرها بر آنان پادشاه [شدند] و آنان را از مرغزارهای پر نعمت و دریای عراق و سرزمین های سبز آفاق می ربودند و به سرزمین هایی که رستنی در آن درمنه بود، روانه می کردند.

وَإِيْمِ اللَّهِ لَتَجِدَنَّ بَنِي أُمِّيَّةٍ لَكُمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِي (۲).

به خدا سوگند! پس از من فرزندان امیه را برای خود اربابان بدی خواهید یافت.

و دیری نپایید که پیش بینی های حضرت به وقوع پیوست و آنان که از عدالت علی علیه السلام می گریختند، در چنگال ستم معاویه گرفتار آمدند. بدین سان،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۳.

رهبر امت که باید نقش پدر مهربان و سرپرست دل سوز و بخشنده را در نظام اسلامی ایفا می کرد، به اربابان کزرفترار و زورگو تبدیل شد. اگر همگان همچون نائینی از تمام رهنمودهای نهج البلاغه به خوبی بهره می گرفتند، امروز شاهد این همه تنگناهای گوناگون در زمینه های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نبودیم. به درستی که نائینی در عصر خود با روی آوردن به نهج البلاغه، راه جدیدی پیش روی آیندگان و رهروان راستین امام علی علیه السلام قرار داد.

اهمیت دادن به سیره و تاریخ

اهمیت دادن به سیره و تاریخ

علامه نائینی بینش فقهی را با بینش تاریخی درآمیخت و از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و دیگر پیشوایان معصوم، به عنوان الگویی پربار و کارآمد، در بسیاری از استنباط های خویش بهره جست.

او با تیزبینی ویژه ای که داشت، فروع فقهی را از لابه لای سیره معصومان خارج می کرد و مستند می ساخت. همچنین، از بی خبری و کم توجهی فقیهان نسبت به این مسئله ناراحت بود و بسیاری از کژفهمی ها و جمودگرایی ها را به دلیل همین ناآگاهی از تاریخ و فاصله گرفتن از دوران سروری مسلمانان می دانست. وی در نگاهی کلی به تاریخ اسلام، آن را به سه دوره جدا از هم تقسیم کرده است:

۱. دوران سروری و سعادت مسلمانان که با پای بندی به اصول اسلام و حاکمیت ارزش های دینی به دست آمده بود و مسلمانان در همه صحنه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی جلودار و پیشتاز بودند.

۲. دوران ایستایی و تبدیل حکومت اسلامی به سلطنت اموی و حاکمیت ارزش های قیصر و کسرا به نام اسلام و خلافت اسلامی.

۳. دوران عقب نشینی و خواری مسلمانان در برابر مستعمران غرب و از دست دادن ارزش های دینی در برابر هجوم فرهنگ غربی و دور شدن از هویت اصلی خویش.

وی می کوشید با فراهم ساختن زمینه های خودباوری و بازگشت به ارزش های اصیل اسلامی، مسلمانان را به دوره آغازین اسلام که دوران رهایی از قید و بند ستمگران و دوران سروری امت اسلام بود، نزدیک سازد.

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر

آیات و اخباری که در آنها به امر به معروف و نهی از منکر سفارش شده است، به صورت مطلق، همه مردم را به این دو تکلیف موظف کرده اند. نیز از آن جا که ستم و تجاوز حاکمان از مصداق های منکر است، همه مردم وظیفه دارند به هر وسیله ممکن از آن جلوگیری کنند. مرحوم نائینی بر این اصل پای می فشرد و در زمان خود، مجلس شورای ملی را بهترین راه جلوگیری از منکر؛ یعنی ستم حکمرانان می دانست. (۱)

سربلندی و استقلال مسلمانان

سربلندی و استقلال مسلمانان

سربلندی و استقلال مسلمانان در گرو نابودی استبداد و تشکیل حکومت مشروطه بود. نائینی، پستی و عقب ماندگی مسلمانان و پیشرفت و برتری مسیحیان، همچنین تهاجم گسترده غرب را از پی آمدهای حکومت استبدادی می دانست و بر این باور بود که اگر مسلمانان سستی و غفلت را کنار نگذارند، مانند بیشتر مسلمانان افریقایی و آسیایی، به حکومت دولت های نصرانی بر خود محکوم خواهند شد. بنابراین، عزت و استقلال مسلمانان حکم می کرد که

حکومت استبدادی را به حکومت مشروطه تبدیل کنند.^(۱)

نائینی با ایمان محکم خود، در عمل نیز ثابت کرد که اگر عالمان دینی برای دفع تهاجم گسترده غرب چاره ای نیندیشند، اساس اسلام و مسلمانی از بین خواهد رفت. از این رو، باید تا حد توان، در راه برپایی تمدن اسلامی کوشید.^(۲)

بایستگی تشکیل حکومت

بایستگی تشکیل حکومت

هرچند بیشتر حکومت ها در طول تاریخ در خطی درست و بهنجار حرکت نکرده اند و بسیاری از حاکمان همراه با جامعه حکومت، چکمه ستم و تجاوز پوشیده و خون انسان های بی پناه را به ناحق ریخته اند، ولی نمی توان به بهانه این پی آمدهای ناگوار، اصل حکومت را نفی کرد. حکومت همچون بسیاری از دیگر پدیده های اجتماعی، زاییده نیاز جامعه است. از این رو، دانشمندان مذاهب اسلامی در بایستگی تشکیل حکومت هم عقیده اند و میرزای نائینی این مسئله را امری روشن و یقینی می داند.

از دیدگاه نائینی وجود حکمران برای جامعه واجب بود، چنان که نوشته است:

بدان که این معنی نزد جمیع امم، مسلم [است] و تمام عقلای عالم بر آن متفقند که استقامت نظام عالم و تعیش نوع بشر، متوقف به سلطنت و سیاست است، خواه قائم به شخص واحد باشد یا به هیئت جمعیه و چه آن تصدی به حق باشد یا به انتصاب، به قهر باشد یا به وراثت یا به انتخاب....^(۳)

میرزای نائینی پس از این بحث، درباره شیوه حکومت و بنیان گذاری حکومت شایسته بحث می کند. سپس حکومت را به استبدادی و مشروطه تقسیم

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۴۹.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۸۳.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۶.

و به تبدیل حکومت استبدادی به مشروطه سفارش می کند و آن را بهترین گونه حکومت ممکن در روزگار خود می خواند. از دیدگاه وی، حاکم به دو شیوه می تواند حکومت کند:

۱. تملیکیه که با واژگانی چون دل خواهانه، خودسرانه، استبدادیه (برده ساختن)، اعتسافیه (اجباری) و استبدادیه از آن یاد می کند.

۲. ولایتیه که با واژه هایی چون مقیده، محدوده، عادل، دستوریه، مسئوله و مشروطه از آن نام می برد.

همان گونه که نمایندگان خاص امامان می توانند در قسم دوم تصمیم بگیرند، در دوران غیبت، نایبان عام بنابر نیابت ثابت یا کسانی که از سوی ایشان اجازه دارند، می توانند این کار را انجام دهند.

درست است که قانون گذاری در غیرمنصوبات، در حوزه اختیارات امام و نمایندگان خاص یا عام ایشان قرار دارد، ولی در شرایط کنونی، قانون هنگامی قانون می شود که از مجلس شورای ملی بگذرد. بنابراین، اگر فردی را مجتهدان به کار بگمارند و او قانون هایی را که از مجلس می گذرد تصدیق و امضا کند، هیچ تردیدی در مشروع بودن مجلس شورا به عنوان محل قانون گذاری باقی نخواهد ماند.

این گونه قانون ها که بر اساس مصالح و نیازها وضع می شوند، متناسب با شرایط زمانی و مکانی تغییرپذیرند. این نسخ و تغییر، بازگشت از واجبی به واجب دیگر است. مرز مشترک این واجبات، حفظ نظام و اداره امور امت است و ولی امر بنا بر مصالح و نیازها، مصداق ها را مشخص می کند. (۱)

شورایی بودن نظام اسلامی

شورایی بودن نظام اسلامی

ماهیت حکومت اسلامی و اساس آن، مشارکت مردم در اداره امور کشور و مشورت با خردمندان امت است. اصل شورا از اصول تردیدناپذیر اسلام است و نام گذاری سوره ای در قرآن به این نام، از اهمیت ویژه آن حکایت دارد. روایت های بسیاری نیز در این باره از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقل شده است.

شورا در مسائل حکومتی و امور همگانی، نمونه های بسیار دارد. نائینی با استناد بر این اصل، خواهان تشکیل مجلس شورای ملی بود و اعتقاد داشت حاکم بدون مشورت با ملت که در مصالح نوعیه شریکند، نباید کاری انجام دهد. البته چون مشارکت همه افراد ملت در همه امور ممکن نیست و توده مردم نیز اهل تشخیص نیستند، خردمندان و صالحان باید از راه همه پرسی برگزیده شوند و در امور مهم کشور رایزنی کنند.^(۱)

نائینی برای ثابت کردن درستی این عقیده، به آیات قرآن^(۲) و سیره پیامبر و علی علیه السلام استدلال می کند.

در بخش سیره پیامبر به ماجرای جنگ احد استدلال می کند که حضرت درباره ماندن در مدینه یا با رویارویی دشمن در صحرا، با اصحاب مشورت کرد و با اینکه نظر ایشان، ماندن در مدینه و دفاع بود، چون بیشتر مسلمانان خواستار درگیر شدن با دشمن در بیرون از مدینه بودند، رسول گرامی اسلام نیز از نظر آنان پیروی کرد.^(۳)

در سیره علی علیه السلام نیز به مشورت آن حضرت با مردم در امور سیاسی اشاره

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۵۳.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۵۳.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۵۴.

کرده است، از جمله مشورت حضرت با یارانش درباره جنگ با معاویه و پذیرفتن سخن اکثریت که خواهان جنگ با معاویه بودند.

اعتبار نظر اکثریت

اعتبار نظر اکثریت

نائینی، اعتبار داشتن نظر اکثریت را به عنوان یک اصل جهانی و عقلایی پذیرفته و برای مشروع بودن آن دلیل هایی آورده است، از جمله:

چنان که گفته شد، نظام سیاسی اسلام بر پایه مشورت بنا شده است. هنگام اختلاف نظر در مشورت نیز عقل، بیشترین رأی ها را بر کمترین آنها برتری می دهد؛ چون از شبهه دورتر و به حقیقت نزدیک تر است. (۱)

اسلام نیز این شیوه را تأیید می کند و سیره پیامبر در جنگ احد و احزاب و شیوه علی علیه السلام در جنگ صفین نیز بر اعتبار رأی اکثریت دلالت دارد. (۲)

نائینی، رأی مردم را عنصری در برگزیدن نمایندگان می شناسد، ولی این سخن برخلاف پندار غرب گرایان، به معنای نفی اصالت حکم خدا نیست؛ زیرا در نظام اسلامی احکام و معیارهای الهی بالاتر از همه ارزش هاست و رأی مردم باید هماهنگ با حکم خدا باشد. به دیگر سخن، حاکمیت اصلی با قانون خدا و ارزش های الهی است و نظر مردم در طول آن قرار دارد. نائینی شرایط ویژه ای را برای نمایندگان لازم دانسته است، از جمله: داشتن غیرت دینی، حس دل سوزی برای کشور و ملت، کوشا بودن در پاس داری از اسلام و حساس بودن به هجوم بیگانگان.

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، ص ۸۰.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، صص ۸۱ _ ۸۳.

مساوات (برابری)

مساوات (برابری)

اندیشه دموکراسی غرب بر سه اصل برادری، برابری و آزادی استوار است. این سه اصل، شعار نخستین جمهوری فرانسه بود و در همه جوامع دموکراتیک غربی نیز پذیرفته شده است. (۱)

علامه نائینی درباره سه اصل دموکراسی، مطالبی در کتاب خود آورده است که ما فقط اصل «برابری» را از دیدگاه ایشان بررسی می‌کنیم.

مهم‌ترین شکل رعایت اصل مساوات در اداره امور، برابری همگان در برابر قانون است. رعایت همگانی قانون و تبعیض قائل نشدن در اجرای آن، مهم‌ترین عاملی است که سلامت دولت‌ها را حفظ و پشتوانه مردمی آنها را ضمانت می‌کند. درباره مفهوم مساوات، از دیر زمان تا کنون، اندیشمندان، پادشاهان و حتی مردم عادی در مغرب زمین و مشرق زمین، بحث و بررسی کرده‌اند. این مفهوم در فرهنگ سیاسی غرب با فرهنگ سیاسی اسلام اختلاف دارد. به نظر می‌رسد تفسیر علامه نائینی از برابری، با تفسیر سیاست‌مداران غربی تفاوتی ندارد. به گمان همه، مقصود از مساوات یا برابری، مساوات در برابر حدود یا قوانین است؛ یعنی اسلام، در اجرای احکام و حدود الهی، میان مصداق‌های آن که آدمیان باشند، هیچ فرقی ننهاد و تازی و پارسی، خدایگان و بنده، قریشی و حبشی در برابر قانون یکسانند.

در روزگار مشروطیت نیز یکی از مغالطه‌هایی که مخالفان مشروطیت مطرح ساختند، همین مسئله «برابری» بود. آنها این اصل را به معنای برابری مطلق افراد

۱- نک: علی اصغر حلبی، مبانی اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی، تهران، بهبهانی، ۱۳۷۵، چ ۱، ص ۱۲۱.

در همه احکام و حدود دین می دانستند؛ به این معنی که در اجرای احکام، اختلاف افراد از نظر دانایی و نادانی، توانایی و ناتوانی و داشتن یا نداشتن قوه تشخیص، به حساب نیاید. در حالی که اگر چنین باشد، اساس احکام دین به هم می خورد؛ زیرا حکم صریح قرآن است که «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»^(۱) و این استفهام انکاری است؛ یعنی برابر نیستند. وانگهی تفاوت عقل ها و اختلاف قوای توده مردم، امری بدیهی است و هیچ خردمندی نمی تواند منکر آن باشد. شیخ محمدحسین نائینی، مهم ترین عالم نظریه پرداز حکومت مشروطه، بر اساس آموزه های اسلامی، در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله در پاسخ به مخالفان مشروطه و افرادی که تفسیری ناقص از مساوات داشتند، می نویسد:

آزادی مطلوب هیچ یک از ملیت ها، به معنی رفع امتیازات و انکار فضل برخی از آنها نسبت به برخی دیگر نیست و اگر چنین باشد، شکی نیست که مخالف حکم عقل و شرع و یا هر دو خواهد بود.

به عقیده او مقصود ادیان و به ویژه دین اسلام از برابری، آن است که: «احکام و قوانین دینی _ سیاسی نسبت به مصادیق خود به شیوه ای یکسان و بدون تبعیض اجرا گردد.» برای مثال، کسی که جرمی مرتکب می شود، خواه توانگر خواه تهی دست، مجازات معمول درباره او انجام گیرد و امتیازها و قدرت های ظاهری افراد، مانع اجرای احکام قانون _ اعم از دینی و عرفی _ نباشد. آیات و روایات در رد تبعیض بسیار است. برای نمونه، در نامه معروف امیر مؤمنان، علی علیه السلام به مالک اشتر می خوانیم: «فَإِنَّ لِلْأَقْصَى مِنْهُمْ مِثْلَ الَّذِي لِلْأَدْنَى.» پس باید بهره کسانی که به تو دورتر هستند یا به تو دسترسی ندارند، مانند بهره کسانی باشد که به تو نزدیک ترند و به عبارت دیگر، میان بیگانگان و خویشان تو فرقی نباشد.

با پیش آمدن بحث قانون و مجلس، نائینی خود را موظف دید بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر رعایت برابری حقوق تمام افراد ملت با شخص حاکم، پافشاری کند. وی مساوات را در سه زمینه حقوق، احکام و مجازات مشخص کرده و در فصل چهارم تنبیه الامه و تنزیه المله، به شبهه های مخالفان مشروطه از جمله اشکال آنان بر اصل مساوات، پاسخ مشروحی داده است. او معتقد بود که منظور از مساوات، یکسان بودن تمام مردم در همه احکام و حدود نیست، بلکه اجرای مساوی احکام و قوانین درباره مصداق های هر موضوع و عنوانی است. به هر حال، مسئله برابری در برابر قانون، هم از ارکان اصلی مشروطیت بود و هم مخالفان به آن توجه و از آن تفسیر می کردند. از این رو، نائینی لازم می دید که بر اساس فقه شیعه، چنین شرحی را برای آن بیان کند. (۱)

اصالت اندیشه های نائینی (رفع یک شبهه)

اصالت اندیشه های نائینی (رفع یک شبهه)

گروهی در اصالت اندیشه های سیاسی نائینی تردید کرده و گفته اند:

تحلیل نائینی از استبداد سیاسی، استبداد دینی و استبداد جمعی، برگرفته از ترجمه طبایع الاستبداد عبدالرحمن کواکبی بوده و او نیز از کتاب درجباری اثر نویسنده ایتالیایی بهره فراوان برده است. (۲)

گروهی از ایران شناسان غربی از این هم فراتر رفته و همه مطالب کتاب تنبیه الامه نائینی را که در بردارنده اندیشه های سیاسی وی است، برگرفته از طبایع الاستبداد دانسته اند. (۳)

در پاسخ می گوئیم، نائینی مجتهدی آگاه و بیدار بود و هدف های دولت های

۱- حسن خوش چشم آرنانی، نشریه ژرفا، ش ۲.

۲- فریدون آدمیت، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام، ص ۲۳۰.

۳- حمید عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، چاپخانه سپهر، ص ۱۷۴.

استعماری از برقراری روابط با کشورهای اسلامی را می دانست. فریدون آدمیت با وجود دشمنی اش با جامعه روحانیان شیعه می نویسد:

نائینی علاوه بر رشته تخصصی خود، در حکمت عملی دست دارد، با مدوّنات زمان خویش آشناست و نسبت به مسائل دوره اول مشروطه آگاه است. نسبت به تعرض مغرب به کشورهای اسلامی حساس است، هشیاری ملی اش خیره کننده... و در انتقاد سیاسی بسیار تواناست. (۱)

خان ملک ساسانی نیز بر آگاهی عمیق سیاسی نائینی از سیاست عصر خود و همچنین بر آشنایی اش با چالش های دولت های بزرگ و خواسته های آنها از روابطشان با دیگران، تأکید می کند. (۲)

فتوای مشهور نائینی درباره حرام بودن شرکت در انتخابات عراق در زمان اشغال این کشور، شاهد دیگری بر بیداری و آگاهی سیاسی اوست. (۳)

بی شک، آشنایی نائینی با سیاست و نوشته های سیاسی عصر خود، در شکل گیری اندیشه های سیاسی اش اثر داشته است، به گونه ای که آن فقیه بزرگوار از واژه های رایج حقوقی و سیاسی زمان خویش بهره می گرفت و حکم فقهی سیاسی را در قالب همان موضوع ها می نگاشت. این امری طبیعی است و به اصالت اندیشه های وی هیچ گونه خدشه ای وارد نمی کند، حتی بر ارزش و منزلت آنها می افزاید و از قدرت شگرف نائینی در اجتهاد و استنباط مسائل سیاسی حکایت می کند.

۱- ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ص ۲۳۰.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۱۸۲، به نقل از: حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی.

۳- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۱۸۲، به نقل از: حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی.

بنابراین، هرچند همانندی‌هایی در پاره‌ای موارد میان این دو اثر دیده می‌شود، به هیچ روی محتوای یکسانی ندارند. یکی از پژوهشگران معاصر می‌نویسد:

رساله تنبیه الامه، رساله‌ای نو و منظم‌تر از طبایع الاستبداد است، گرچه به سبب پیچیدگی شیوه نگارش و روش استدلال، بدان پایه شهرت همگانی نداشته است. یکی دو تن از ایران‌شناسان غربی در گفت‌وگو با نگارنده، مدعی شدند که مطالب تنبیه الامه از طبایع الاستبداد برگرفته شده است، ولی بررسی و مقابله دقیق این دو کتاب این دعوی را ثابت نمی‌کند. (۱)

اهمیت کار نائینی، تنها در شناخت همه‌جانبه استبداد سیاسی، استبداد دینی و استبداد جمعی نیست، بلکه اهمیت کار وی در درمان درد است. کوتاه‌سخن اینکه کتاب گران‌قدر تنبیه الامه و تنزیه المله و اندیشه‌های سیاسی نائینی، محصول اجتهاد و تفکر خود وی است و نمی‌توان آن را برگرفته از طبایع الاستبداد یا آثار دیگر دانست. سنجیدن این دو اثر با یکدیگر، به ویژه آنجا که در پی تبیین مشروع بودن نظام مشروطه و قانون‌گذاری است، همچنین شواهدی که از قرآن و نهج البلاغه و فقه شیعه ارائه می‌دهد، درستی ادعای ما را اثبات می‌کند.

یادآوری

یادآوری

از آنچه گذشت روشن شد که علامه نائینی به ولایت عامه فقیه در دوران غیبت اعتقاد داشته است و در آن زمان چون حکومت فقیه جامع‌الشرایط را ممکن نمی‌دید، حکومت مشروطه را پیشنهاد کرد؛ زیرا مشروطه در مقایسه با حکومت استبدادی، ستم و غضب کمتری روا داشته است. با این حال، ایشان بر هماهنگی قانون‌های مجلس شورای ملی با آموزه‌های حیات بخش اسلام تأکید داشت. از این رو، تصحیح و تنفیذ قانون‌های وضع شده را توسط مجتهدان حاضر در

۱- سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۷۴.

مجلس یا نمایندگان آنان ضروری می دانست. افزون بر آن، قانون گذاری را در امور مباح و غیرمنصوص روا می دانست و اجازه نمی داد که مجلس در قانون های ثابت الهی دخالت بکند.

البته گروهی از نویسندگان تاریخ مشروطیت،^(۱) به ناهماهنگی دیدگاه های نائینی با مشروطیت خرده گرفته اند؛ زیرا پنداشته اند نائینی همان مشروطیتی را می خواسته که غرب گرایان مطرح کرده و طرفدار آن بوده اند. روشن است که هرچند آنان در شعار مشترک بودند، در حقیقت خواست آنان یکی نبود. غرب گرایان، مشروطه غربی را حکومتی ایدئال می دانستند و بر این باور بودند که نظام های نو غربی، برتر از نظام سیاسی اسلام هستند، ولی نائینی حکومت ایدئال را ولایت فقیه و حکومت مشروطه را به عنوان ثانوی، مشروع می دانست.^(۲)

۱- نک: عبدالهادی حائری؛ تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، امیرکبیر، ۱۳۶۴؛ ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، ص ۱۸۴.

فصل سوم: فعالیت های سیاسی

اشاره

فصل سوم: فعالیت های سیاسی

زیر فصل ها

زندگی سیاسی علامه نائینی

نائینی در نهضت مشروطه

نائینی در جنبش عراق

زندگی سیاسی علامه نائینی

زندگی سیاسی علامه نائینی

نائینی در خانه ای بزرگ شد که کانون آمدوشد شخصیت های مذهبی، سیاسی و علمی بود. پدر وی شیخ الاسلام نائین بود و در خانه اش درباره مسائل سیاسی، اوضاع نابسامان کشور، زورگویی به رعیت، تجاوز به حقوق بی نوایان، بگير و ببندها و مظلوم کشی های خاندان قاجار بحث می شد. نائینی پس از فراگیری دانش های لازم و مقدماتی در زادگاهش، به اصفهان رفت و در آنجا بود که دریچه های سیاست یکی پس از دیگری به روی وی گشوده شد.

استادش جهانگیرخان قشقایی از رویدادها و از ستم هایی می گفت که بر این آب و خاک رفته بود. گفت و گوها و نشست و برخاست های او با سیدجمال روزبه روز بیشتر شد، به گونه ای که دامنه آن حتی تا سامرا کشیده شد. در سامرا به کانون رهبری جنبش تنباکو راه یافت و چشم بینای میرزای بزرگ شد و آگاهی های گسترده و شم قوی سیاسی خود را در راه شکوفایی جنبش به کار برد. میرزای بزرگ از قدرت نگارش نائینی در برانگیختن احساسات مردم بهره می گرفت. پس از چندی، شعله دیگری سر کشید و نهضت مشروطه با الهام گیری از جنبش تنباکو پا گرفت. آخوند خراسانی، شاگرد برجسته میرزای بزرگ، جلودار شد و میرزای نائینی در کانون رهبری نجف، مقام مشاورت را یافت و به خواست مراجع بزرگ نجف بیانیه های بیدارگرانه می نگاشت. او در ادامه افشاگری های خود، کتابی با نام تنبیه الامه و تنزیه المله نوشت و در آن اصول مشروطه را عالمانه و با روش فقهی با کتاب و سنت برابر ساخت و به شبهه ها، پاسخ دقیق داد. وی در این کتاب، اعلام کرد که اسلام موافق آزادی است، ولی نه آزادی به معنای بی بند و باری و رهایی از هر قید و بندی. اسلام،

خواهان مساوات است، ولی نه به معنای همسانی همه آیین ها و قانون های الهی و بشری. اسلام موافق قانون گذاری است، ولی نه به معنای نوآوری در دین و وضع قوانین مخالف دین.

نائینی سیاست مداری بود که سیاست دینی با جانفش درآمیخته بود و سیاست را از دیانت جدا نمی دانست. دینی که او شناخته بود، بدون حکومت بی معنا بود. وی هیچ گاه از سیاست دست نکشید و دوری گزیدنش از مشروطه، دوری کردن از سیاست نبود، بلکه انحراف مشروطه از هدف اصلی خود و به دار آویخته شدن شیخ فضل الله نوری، ترور بهبهانی، گوشه گیری طباطبایی، مرگ مشکوک آخوند خراسانی، انتشار نشریه ها و کتاب های گمراه کننده و مخالف اسلام و روحانیان، میرزای نائینی را بر آن داشت که با کناره گیری از مشروطه، مخالفت خود را با چنین مشروطه ای اعلام کند و با این عمل، نقشه ها و ترفندهای استعمارگران را پس از مشروطه بی اثر سازد. وی پس از مشروطه نیز نقش مهمی در قیام مردم عراق برضد انگلیس، تحریم انتخابات عراق و مبارزه با کشف حجاب در ایران داشت.

نائینی در نهضت مشروطه

نائینی در نهضت مشروطه

ایران در اواخر حکومت قاجار، به ویژه در دهه آخر پادشاهی ناصرالدین شاه، وارد عصر جدیدی شد. اندیشه های انقلابی، آزادی خواهی، هجوم به استبداد و خودسری، طرح ایجاد عدالت خانه، تدوین قانون و برپایی حکومت مشروطه، در این زمان پدیدار شد و کم کم رو به رشد نهاد.

جنبش مشروطه، رخدادی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دینی بود. از این رو، همه گروه های جامعه در آن نقش داشتند، ولی نقش سه گروه از همه برجسته تر

بود: روشن فکران، بازرگانان و عالمان.^(۱)

روشن فکران نمی خواستند مشروطیت در مسیر شریعت پیش رود و همکاری با روحانیان را در چارچوبی خاص پذیرفته بودند.^(۲) آنها در حقیقت، از نیروی مذهب و دانشمندان دینی به عنوان پلی برای رسیدن به هدف های خویش سود می جستند. از این رو، پس از پیروزی، ابتکار عمل را در دست گرفتند و روحانیان اصیل و رنج دیده نهضت را از صحنه کنار زدند.

بازرگانان با هرگونه نفوذ اقتصادی بیگانگان مخالف بودند و از این رو، با نظام بیگانه پرور و وابسته به بیگانه مبارزه می کردند. آنها در تمام مراحل، با عمل به فتوای عالمان دین، به حرکت خود رنگ مذهبی و دینی بخشیدند.^(۳) این گروه بازوی توان مند عالمان در ادامه یافتن نهضت به شمار می آمد.

بازار، با قدرت بالای اقتصادی، امکانات بالقوه سیاسی و باورهای اسلامی که در میان توده مردم اثر عمیق داشت، یکی از عوامل اثرگذار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در زندگی شهری بود. پس از سال ۱۳۰۰، اختلاف حکومت وقت با روحانیان مبارز، اتحاد میان علما و بازاریان را محکم تر ساخت. این اتحاد، در حکم نیروی محرک یا عاملی اثرگذار، در تمام جنبش های مهم سیاسی، از مجلس نمایندگان بازرگانان در سال ۱۳۰۱ و قیام تنباکو در سال ۱۳۰۹ گرفته، تا انقلاب مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ادامه داشت.^(۴)

گروه سوم که محور اصلی حرکت مشروطه به شمار می آمدند، عالمان و

۱- ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ص ۲۷.

۲- ایدئولوژی نهضت مشروطیت، ص ۳۰.

۳- کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، نشر آگاه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۳۱.

۴- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، به نقل از: دانش نامه جهان اسلام، ص ۳۷۹.

فقیهان برجسته و رده اول حوزه علمیه نجف و ایران بودند؛ مراجع تقلیدی مانند: آخوند خراسانی، ملا عبدالله مازندرانی و حاج میرزا خلیل تهرانی در نجف و سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی و شیخ فضل الله نوری در ایران. نقش اساسی علما در نهضت مشروطه، مسئله ای انکارناپذیر است و آنان که در جریان حوادث و اوضاع سیاسی آن زمان زیسته و از نزدیک شاهد ماجرا بوده اند، به این حقیقت اعتراف و از حضور عالمان به عنوان عامل اثرگذار و سرنوشت ساز در مشروطه یاد کرده اند. (۱)

میرزای نائینی در بنیان گذاری مشروطه نقش اساسی داشت، به ویژه با قلم توانای خود به یاری آن شتافت. او در حقیقت، مغز متفکر انقلاب مشروطه بود. وی در سال ۱۳۰۳ ه. ق برای فراگیری دانش به عراق رفت و تا سال ۱۳۱۴ در سامرا زیست و ضمن شرکت در درس و بحث میرزا، در امور سیاسی و اجتماعی، نویسنده و مشاور او بود. (۲) او به خاطر تیزهوشی، قدرت تحلیل مسائل سیاسی و توان علمی اش، به سرعت جایگاه علمی و سیاسی ویژه ای یافت. پس از فوت میرزا، به کربلا و سپس به نجف هجرت کرد و با آغاز جنبش مشروطیت به رهبری آخوند خراسانی و دیگر مراجع تقلید، مشاور و یاور سیاسی آخوند شناخته شد. (۳)

بیشتر کارهای مبارزاتی و اجتماعی مرحوم آخوند با مشورت نائینی انجام می گرفت و بسیاری از نامه های آن مرحوم با نظریه و کمک ایشان تهیه می شد. (۴)

۱- نک: تاریخ مشروطه ایران، ص ۳۲.

۲- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۹۳.

۳- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۹۳.

۴- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با آقای حسینی همدانی.

نائینی با هوش و فراست ویژه ای که داشت، رخدادهای سیاسی و اجتماعی زمان را به دقت پی می گرفت. وی در کنار فراگیری علوم و معارف دینی، به سرنوشت مسلمانان و دلایل عقب ماندگی و گرفتاری آنان می اندیشید و راه چاره می جست. از این رو، در دوران شکل گیری مشروطه، از هیچ کوششی دریغ نکرد و توان علمی و هنر نگارش خویش را در اختیار این نهضت قرار داد. (۱)

استعمارگران و نوکران آنها با تجربه ای که از جنبش تنباکو و نیز شناختی که از قدرت و نفوذ روحانیان داشتند، همین که طلسم استبداد شکست و دیوار ستم فرو ریخت، دست به کار شدند و با اختلاف افکنی در میان رهبران مشروطه، در صدد گرفتن انتقام برآمدند. آنها آشکارا از علما بدگویی می کردند و می کوشیدند تا از نفوذ آنان بکاهند. (۲)

روشن فکران خودباخته نیز هم صدا و هم سو با استعمارگران، به شایعه پراکنی و پخش مطالب بی اساس دست زدند تا مردم را به عالمان، بدگمان کنند. آنها آزادگی و برابری مشروطه را به سود خود تفسیر کردند و اسباب آزردهی علما را فراهم آوردند.

با آنکه برای درهم شکستن مقاومت استبداد، علما و توده مسلمان پیش قدم بودند، وقتی مجلس برپا شد و نمایندگان برای اعزام انتخاب شدند، یک عده سبک سر از فرنگ برگشته که در برابر سخنان و ظواهر زندگی اروپاییان خودباخته بودند، به میان افتادند و با کنایه و صراحت، از علما بدگویی کردند و روزنامه های بی بندوبار نیز سخنان آنان را منتشر ساختند. (۳)

۱- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۵۷.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶، به نقل از: دکتر صاحب الزمانی، دیباچه ای به رهبری، ص ۱۴۵.

۳- نک: تنبیه الامه و تنزیه المله، با مقدمه: سید محمود طالقانی، ص ۱۱.

از آن جا که مشروطه، نخستین رویارویی فرهنگ سنتی اسلام با فرهنگ غرب در ایران بود و تماس نزدیکی با ارزش های دینی و مذهبی داشت، بحث گسترده ای میان اندیشمندان و نظریه پردازان در گرفت و بین دانشمندان اختلاف پدید آمد. به دلیل نوپدید بودن این گفت و گوها در ایران، بحث و بررسی درباره درستی و نادرستی قانون های وضع شده بشری، به گفت و گو درباره خوبی ها و بدی های نوگرایی کشیده شد. در نتیجه، دو طرف گفت و گو کمتر به تفاهم دست می یافتند و بیشتر در گیر می شدند و با نقشه استبداد، بازار تکفیر و تفسیق رونق گرفت. (۱)

شبهه هایی که استبدادیان به نام دین مطرح کردند، عبارت بودند از:

۱. بیان معنای نادرست از آزادی؛

۲. بیان معنای نادرست از مساوات؛

۳. بدعت شماری تدوین قانون؛

۴. دخالت دادن امت در امر امامت؛

۵. دخالت دادن غیرفقیهان در امور حسیه؛

۶. بدعت و نامشروع خواندن آرای اکثریت. (۲)

این گونه شبهه افکنی ها، فضایی پدید آورد که شناخت حق را از ناحق، دشوار کرد و افراد ساده لوح و ناآگاه را به تردید افکند. در این دوران پر آشوب، میرزای نائینی وارد میدان شد. او به عنوان سخن گوی مراجع مشروطه خواه نجف، دست به قلم برد و با نوشتن کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله، به این سخنان بی اساس و خرده گیری های نابجا و شبهه های اختلاف برانگیز، پاسخ منطقی و مستدل داد.

۱- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، ص ۲۵۹.

۲- نک: تنبیه الامه و تنزیه المله، صص ۶۳ _ ۸۵.

این اثر که به مهر تأیید دو تن از مراجع بزرگ زینت یافته بود، تردیدها را زدود و بار دیگر ثابت کرد که روحانیان در هسته مرکزی روشن بینی و ژرف اندیشی قرار دارند و اهل آفرینش و نوآوری اند.

در آن فضا که گروهی مشروطه را فتنه آخرالزمان و مخالف اسلام می دانستند و گروهی نیز مخالف حرکت مشروطیت در بستر شریعت بودند، نائینی مشروطه را موافق شرع و مایه امنیت و آبادی مملکت می دانست و مخالفان آن را نادان و بی خبر از معنای مشروطه و مشروعیت می خواند. به هر حال، نقش نائینی در استوار ساختن بنیاد مشروطیت اساسی و ماندگار بود. به گفته شهید مطهری:

از نظر اندیشه اصلاحی و طرح اصلاحی در جهان شیعه نیز شخصیت هایی ظهور کرده اند که اندیشه های اصلاحی در بعضی زمینه ها داشته اند. مرحوم آیت الله بروجردی، علامه شیخ محمدحسین کاشف الغطاء و علامه سیدمحسن عاملی و علامه سیدشرف الدین عاملی و بالخصوص علامه نائینی را از این نظر نباید از نظر دور داشت. شایسته است اهل نظر، اندیشه های اصلاحی این شخصیت ها را هرچند محدود به زمینه ای خاص است، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. (۱)

شاید بتوان اثر میرزای نائینی را نخستین اثر یک پارچه و سامان یافته در زمینه طرح نظام اسلامی دانست. گرچه پیش از ایشان کتاب هایی در زمینه نظام سیاسی اسلام نوشته شده بود و از ولایت فقیه که روح حکومت اسلامی است به شکل های گوناگون در آنها سخن رفته بود، (۲) ولی عرضه اصول اندیشه های سیاسی شیعه در قالبی روشن و اجرashدنی، از نوآوری های میرزای نائینی است.

۱- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۶۰.

۲- عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ج ۲، ص ۶۷.

در این اثر، او آشکارا در برابر استعمارگران غرب ایستاده و با خودباختگی و خودکم بینی در برابر قدرت های بزرگ شرقی و غربی، مبارزه کرده است.

پس از انحراف مشروطیت و مرگ ناگهانی و مشکوک آخوند خراسانی، به دار آویختن شیخ فضل الله نوری و ترور طباطبایی، نائینی در صف نخست مبارزه قرار گرفت. او با ذهن باز و تحلیل و تفکر قوی ای که داشت، اوضاع سیاسی و اجتماعی را ارزیابی کرد و با در نظر گرفتن مصالح امت مسلمان، به این نتیجه رسید که از دخالت در امور مشروطه خودداری ورزد تا کزروی های آن تأیید نشود؛ زیرا برخلاف خواسته مشروطه خواهان مذهبی و روحانیان مبارز و مجاهد، به تعبیر وی: «انگوری که انتظار و امید سرکه بودن در آن می رفت، یک باره شراب گردید».^(۱)

از این رو، ایشان از حمایت و رهبری مشروطه دست کشید و به درس و بحث روی آورد. به گفته شهید مطهری: «افسوس که جو عوام زده محیط ما کاری کرد که آن مرحوم پس از نشر آن کتاب، یک باره مهر سکوت بر لب زد و دم فرو بست».^(۲)

البته این اقدام به معنای کناره گیری وی از سیاست و دست کشیدن از تلاش و چاره جویی برای رهایی مردم از چنگ استبداد نبود، بلکه او در عرصه های گوناگون سیاسی که مصالح مسلمانان در گرو آن بود، پیشتاز بود و با تمام توان به میدان می آمد، از جمله:

۱. صدور فتوای تحریم انتخابات در عراق؛^(۳)

۲. شرکت در جنگ های مسلمانان عراق بر ضد انگلیس؛^(۴)

۱- فقهای نامدار شیعه، ص ۴۰۷.

۲- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۴۶.

۳- نک: حمیدرضا مستعان، حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی، ص ۲۷.

۴- حمیدرضا مستعان، حکومت اسلامی از دیدگاه آیت الله نائینی، ص ۲۷.

۳. بازداشتن رضاخان از اجرای طرح جمهوریت. (۱)

بدین ترتیب، نائینی به آنچه وظیفه داشت، عمل کرد. آن گاه که مشروطه خواهان مسیر درست را می پیمودند و به یاری وی نیاز داشتند، به یاری آنان برخاست و آن گاه که مشروطه به بی راهه رفت و مشروطه خواهان راستین از صحنه به در شدند، از مشروطه روی برگرداند که همانا وظیفه همین بود.

نائینی در جنبش عراق

نائینی در جنبش عراق

زمانی که عراق به اشغال نیروهای انگلیسی در آمد (۱۹۱۴ م)، علمای نجف اعلان جهاد دادند و نیروهای مردمی را بسیج کردند و خود نیز در جبهه حضور یافتند. (۲) نائینی نیز از عناصر پرتکاپوی این جهاد مقدس به شمار می آمد و با تلاش پی گیر، علمای رده اول را به فرا گیری تاکتیک های جنگی و نظامی تشویق می کرد. (۳)

پس از ارتحال رهبر جنبش، محمدتقی شیرازی و آغاز رهبری و مرجعیت شیخ الشریعه اصفهانی، همکاری و تلاش های نائینی گسترده تر شد و شیخ الشریعه در تصمیم گیری ها و انتشار بیانیه های سیاسی و اجتماعی با وی مشورت کرد. (۴) نائینی و چند تن دیگر از مراجع، پس از مرحوم شریعت اصفهانی، رهبری جنبش ملی - اسلامی عراق را بر عهده گرفتند. (۵) و با تمام توان قیام را به پیش بردند. تلاش همه جانبه رهبران این قیام، سبب شد انگلیس از ادعای

۱- نک: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۴۱، ج ۳، ص ۶۰۱.

۲- محمدصادقی تهرانی، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی، عراق، انتشارات دارالفکر، ۱۹۲۰م، صص ۱۲ و ۴۴.

۳- بخشی از نامه آیت الله مرعشی به عبدالهادی حائری به نقل از: مجله حوزه، ش ۷۶.

۴- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۷۲.

۵- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۷۲.

تحت الحمایگی عراق دست بردارد و به حکومت ملی تن بدهد. همچنین استقلال عراق را به رسمیت بشناسد و تنها به دخالت پنهان به واسطه دست نشانده خود ملک فیصل بسنده کند.

حاکم عراق، ملک فیصل که با حمایت انگلیس بر سر کار آمده بود، به منظور قانونی جلوه دادن حاکمیت خویش انتخابات برگزار کرد. (۱) عالمان آگاه که می دانستند وی دست نشانده انگلیس است و برپایی این انتخابات به منظور تحکیم حکومت اوست، با این انتخابات فرمایشی مخالفت کردند. (۲) دولت عراق در واکنش به این مخالفت، آقای خالصی را که انتخابات را تحریم کرده بود، تبعید کرد. (۳) در اعتراض به تبعید وی، نائینی و سیدابوالحسن اصفهانی راهی ایران شدند و حکومت عراق نیز با آنان به گونه ای برخورد کرد که از اخراج و تبعید آنان حکایت داشت، (۴) ولی از آن جا که تبعید علما به زیان انگلیس و عراق تمام شد، دست نشاندهگان انگلیس برای پایان دادن به مسئله تبعید به گفت و گوهای دیپلماسی پرداختند و علمای تبعیدی را به نجف بازگرداندند. (۵)

این سیر کوتاه و گذرا در زندگی سیاسی - اجتماعی نائینی نشان می دهد که وی هیچ گاه از اوضاع سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی و مسلمانان غافل نبوده است، بلکه با بینش عمیق خود، رویدادهایی را که در جای جای کشورهای اسلامی رخ می داد، پی گیری می کرده است و با دل سوزی و تعهد، در سنگرهای گوناگون، از حق و عدالت دفاع می کرد. او در مبارزه با استبدادخواهان و

۱- حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۷۴.

۳- تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۳۵۰.

۴- تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۳۴۷.

۵- تاریخ بیست ساله ایران، ج ۲، ص ۳۵۲.

ستمگران داخلی و ایستادگی در برابر استعمارگران خارجی و نیز در مخالفت با حضور زیان بار بیگانگان در سرزمین های اسلامی، پیشرو بوده است. (۱)

۱- با استفاده از مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷.

فصل چهارم: سیره اخلاقی

اشاره

فصل چهارم: سیره اخلاقی

زیر فصل ها

سلوک رفتاری

تقوا

اهمیت دادن به نماز

احترام به قرآن

زیارت پیشوایان دین

احترام به ماه رمضان

احترام به شاگردان

نخبه پروری

احترام به استاد

تربیت شاگردان

رعایت بهداشت و نظم

فروتنی

سلوک رفتاری

سلوک رفتاری

بزرگی مقام هرکس، به اندازه پیوند و نزدیکی او با خداوند متعال است و گستردگی افق های فکری اش، وامدار سیر روحی اوست. علامه نائینی، عرفان نظری را نزد استادان برجسته فراگرفت و سلوک عرفانی و اخلاقی را نیز از زندگی و سیره آنها آموخت. از دوران کودکی، بذر ایمان در وجودش نهاده شده بود و با زمزمه های سحرگهان پدر، آشنایی دیرینه داشت. در دوران تحصیل شیفته مناجات استادش محمدباقر اصفهانی بود و همراه او به راز و نیاز می پرداخت؛ همان استادی که در ماه مبارک رمضان، در قنوت نماز شب، با دعای ابوحمزه سیر معنوی می کرد. مرحوم آیت الله نائینی می فرمود:

در ماه های مبارک رمضان، مرحوم آقا شیخ محمدباقر، دو سه ساعت به اذان صبح مانده به بیرونی تشریف می آوردند و در یکی از اتاق ها مشغول نماز شب و تهجد می شدند. آن مرحوم در دعای دست، همان گونه که ایستاده بود، دعای ابوحمزه شمالی را می خواند و گریه می کرد. (۱)

از ابوالمعالی فرزند محمدابراهیم کلباسی، توشه معنوی پُرباری گرفت و در محضر جهانگیرخان قشقایی، سلوک معنوی را به طور عملی آموخت. در نجف و سامرا با عارف واصل، ملاحسین قلی همدانی رابطه ای دوستانه داشت و با شاگردان والامقام وی نیز هم نشین و صمیمی بود، تا آنجا که مرحوم سیداحمد کربلایی با آن احتیاط و مراقبت کم نظیر خود، مرحوم نائینی را مسئول کارهای خود کرد.

نائینی، عابدی آگاه و از هرگونه آلودگی و ریا پاک بود. راز و نیاز شبانه او کمتر از تلاش های روزانه اش نبود، هنگام نماز لرزه بر اندامش می افتاد و اشک

از دید گانش بر محاسنش جاری می شد. به زینت های دنیایی بی توجه بود و خوش آمد یا بدگویی مردم، در تصمیمیش کمترین اثری نداشت، بلکه همه توان خود را برای انجام تکلیف به کار می بست. حتی دو سید وارسته سید عبدالغفار و سید جمال الدین گلپایگانی را مراقب رفتار خویش کرده و به آنان گفته بود: پیش از محاسبه رقیب و عتید، شما نقاد من باشید. بشر در هنگام کار، سرگرم رتق و فتق امور می شود و گاه به خطا می رود یا به افراط و تفریط می افتد. شما مسئولید که اشتباه مرا یاد آور شوید که «انّ الذّکری تنفع المؤمنین».

در رفتار و گفتارش کوچک ترین نشانه ای از بزرگ بینی دیده نمی شد و از لقب ها و تعارف ها و مقام های دنیایی بیزار بود. در مصرف بیت المال بسیار دقیق و حساس بود. به گفته مرحوم مظفر:

خوش رو بود و خوش خو. با لطف و خوش رویی خود، همه را شیفته خود می کرد. با این همه، اگر از ایشان بر میزان اسلام و دستورات شرع اقدس تقاضا [یی] می شد، با کمال خوش حالی و مسرت انجام می داد، اما اگر خواسته ای خلاف شرع یا دستورات اسلامی بود، تغییر حالت و تأسف و تأثر و ناراحتی بر او مستولی می گشت و گاهی چنان حالش دگرگون می شد که گویا دشمن از او درخواستی به دشمنی کرده است. لذا اشخاص را در اراده او طمع نمی نمود. (۱)

نائینی علم را در بستر تقوا آموخته و از پرهیزکاری، به سرچشمه های دانش و حکمت و معرفت ره یافت، چنان که در گفتار و رفتار و کردارش، ادب و بزرگواری آشکار بود. در این فرصت، به بیان شمه ای از فضایل اخلاقی، آداب و مقام معنوی اش می پردازیم.

تقوا

تقوا

در فرهنگ اسلامی، تقوا و بی‌علاقگی به دنیا، جایگاهی ویژه دارد و سلاحی است که انسان را از گرداب‌ها و دام‌های فریبنده شیطانی می‌رهاند و زیندگی خاصی به او می‌بخشد. نائینی از فرزاندگانی بود که در زندگی پربار خویش، پروای الهی با زندگی اش درآمیخته بود و دنیا با همه جلوه‌های فریبنده اش هیچ‌گاه نتوانست او را فریفته خود سازد.

ایشان در نجف اشرف، خانه شخصی نداشت، در حالی که توان مالی داشت و می‌توانست بخشی از املاک خود در نائین را بفروشد و خانه شخصی تهیه کند.

مرحوم آقابزرگ تهرانی درباره تقوا و دنیاگریزی وی می‌فرماید:

او مردی با ورع، تقوای پیشه، اصلاح طلب [و] بی‌اعتنا به زخارف دنیا بود و ریاست و مقام دنیا نتوانست او را فریفته خود سازد. (۱)

اهمیت دادن به نماز

اهمیت دادن به نماز

انتظار کشیدن برای نماز و بی‌قراری از خوف خدا از، برجسته‌ترین ویژگی‌های بندگان مخلص خداست. مرحوم نائینی که از چشمه زلال معرفت سیراب شده بود، برای نماز احترام ویژه‌ای قائل بود و پیش از اذان به پیشواز نماز می‌رفت و در نماز از ترس خدا و عذاب الهی، اشک بر گونه‌هایش جاری می‌شد. آیت‌الله حسینی همدانی در این باره می‌فرماید:

وی بنا داشت برای فریضه ظهر و عصر، حدود یک ربع ساعت به اذان مانده، بر روی سجاده بنشیند و حالت انتظار داشته باشد تا اذان بگویند و ایشان مشغول نماز شود. (۲)

۱- مکارم الآثار، ج ۶، ص ۲۱۷۷.

۲- مجله حوزه، ش ۳۰، ص ۵۰.

شیخ آقابزرگ تهرانی درباره حالات ایشان در نماز می نویسد:

هنگامی که به نماز می ایستاد، بدنش می لرزید و اشک هایش بر گونه ها و محاسنش جاری می شد. (۱)

عشق به نماز و ارتباط با خدا، چنان با روح او درآمیخته بود که حتی در آخرین روزها و ساعت های عمرش حاضر نبود لحظه ای نمازش از اول وقت به تأخیر افتد. آیت الله حسینی همدانی نقل می کند:

آقای نائینی بیماری تب نوبه داشتند. هر یکی دو ساعت، تب می کردند و به حالت غشوه از حال می رفتند. ساعت سه از شب گذشته بود. من گفتم اگر آقا بلند شوند و ببینند ساعت سه از شب گذشته است، ناراحت می شوند که چرا ایشان را برای نماز بیدار نکرده ایم و دوباره حال ایشان منقلب خواهد شد. به این جهت، چهار پنج ساعت که آنجا بود، همه را به عقب برگردانیدیم و روی ساعت یک از شب گذشته تنظیم کردیم. وقتی مرحوم آیت الله نائینی بعد از چند ساعت بی حالی و حالت غشوه، به حال آمدند، نگاهی به آسمان کردند و با عجله فرمودند: ساعت سه است! چرا مرا برای نماز (نماز شب و تهجد) بیدار نکردید؟ بسیار ناراحت شدند، من عرض کردم: آقا ساعت سه نیست، ساعت یک است. ایشان فرمودند: نه. من چند ساعت تنظیم شده را خدمت ایشان نشان دادم، ایشان نگاه کردند و با ناراحتی فرمودند: اینها ساعت نیست. پی دان است. من از وضع آسمان و ستاره می فهمم که ساعت سه از شب گذشته است. همان جا با آن حال، برای ایشان ظرف آب آوردیم، وضو گرفتند و با حالت نشسته مشغول نماز شدند. (۲)

نیایش های شبانه، سرمایه تلاش روزانه و پشتوانه مردان خدا در سیر الهی است و چشمه ساری است که پویندگان راه تکامل، از آن جرعه ها نوشیده و تشنگی خود را فرو نشانده اند. نائینی زنده دلی بود که از نیایش شبانه، حیات

۱- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۹۴.

۲- مجله حوزه، ش ۳۰، ص ۵۰.

معنوی یافت و به پشتوانه آن، از آزمون های دشوار زندگی سربلند بیرون آمد. سیدمحمدهادی میلانی، از شاگردان برجسته ایشان، نقل می کند که استادش، آیت الله نائینی می فرمود: «نماز شب را شرط اجتهاد نمی دانم، ولی بدون دخالت هم نمی دانم».(۱)

احترام به قرآن

احترام به قرآن

حاج شیخ مهدی غروی نائینی، فرزند ایشان، در مصاحبه ای درباره احترام آن مرد وارسته به قرآن، چنین می گوید:

آن بزرگوار، وقتی برای ملاقات علما، روحانیان و مردم به بیرون تشریف می بردند و در ضمن، کسی از ایشان تقاضای استخاره می کرد، قرآن شریف را می آوردیم، ایشان به احترام قرآن به پا می خاست و همه افراد جلسه نیز برمی خاستند و ایستاده می ماندند تا استخاره تمام می شد و قرآن شریف را از آنجا می بردیم. این حرکت چنان باشکوه و عظمت بود که انسان، ناچیزی و کوچکی همگان را در برابر قرآن و عظمت قرآن می دید. البته ایشان همین حرکت را در خلوت هم انجام می داد و در برابر عظمت قرآن به خضوع می ایستاد.

زیارت پیشوایان دین

زیارت پیشوایان دین

عالمان عارف به مقام ائمه علیهم السلام، هیچ گاه از ارتباط با این سرچشمه های حکمت و دانش غافل نیستند و صبح و شام نیز در هر حالی که باشند، در زمینه های علمی و معنوی به آنان توسل می جویند. نائینی نیز شیفته مقام ولایت بود و در طول عمر پربرکتش همواره به آستان ائمه علیهم السلام ادای احترام می کرد.

او سحرگاهان، پیش از آنکه درب حرم سامرا به روی زائران گشوده شود، به شوق زیارت، پشت در حرم به انتظار می نشست و در دوران اقامتش در سامرا،

هر از چند گاهی برای آستان بوسی مرقد مطهر پیشوای پرهیزکاران، علی علیه السلام، به نجف اشرف مشرف می شد. (۱)

فرزند ایشان می گوید:

آن بزرگوار، همه ساله، روزهای زیارت های مخصوص حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به کربلای معلی مشرف می شد. در ماه ذیحجه برای زیارت عرفه، در ماه محرم برای زیارت عاشورا، در ماه صفر برای زیارت اربعین و اول رجب و نیمه شعبان؛ در این پنج سفر، پنج روز تا یک هفته، در کربلای معلی اقامت می گزید.

احترام به ماه رمضان

احترام به ماه رمضان

آن مرحوم، ماه مبارک رمضان را بسیار محترم می دانست و می کوشید در این ماه به نیازمندان بیشتر رسیدگی شود. از این رو، هر سال در ماه مبارک رمضان میان آنها برنج تقسیم می کرد. (۲)

احترام به شاگردان

احترام به شاگردان

عالمان بزرگ، شاگردان خود را امانت الهی می دانستند و مانند پدری مهربان با آنها رفتار می کردند و آنان را گرامی می داشتند. مرحوم نائینی نیز به شاگردان خویش، به ویژه آنان که فضل و کمال بیشتری داشتند، بسیار احترام می گذاشت. آیت الله محمدحسن مرتضوی لنگرودی می گوید:

نائینی به شاگردان خود توجه داشت. هر کس را به مقدار علمی که داشت احترام می کرد. حتی در جلسه درس، عده ای از [شاگردان] خواص ایشان جایگاه مخصوص داشتند که کسی دیگر نمی توانست آنجا را اشغال کند. ایشان اساساً به طلاب و فضایی درس خوان احترام خاصی می گذاشت. (۳)

۱- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با آیت الله حسینی همدانی، ص ۵۰.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، مصاحبه با فرزند آیت الله نائینی.

۳- مجله حوزه، ش ۵۵، ص ۷۷.

او در پاسخ به پرسش های شاگردان، به گونه ای برخورد نمی کرد که سبب تحقیر یا رنجش آنان شود، بلکه با حفظ حرمت و رعایت همه جنبه ها، به اشکال ها پاسخ می داد. آیت الله حسینی همدانی در این باره می گوید:

یک شب، بحث اصول مرحوم آیت الله نائینی درباره عام و خاص بود. بعد از پایان درس، به نظر برخی شاگردان برجسته درس، از جمله آیت الله میلانی، اشکالی پدید آمده بود. ایشان اشکال را در چند سطر نوشتند و من آن را خدمت آقا تقدیم کردم. ایشان اشکال را مطالعه فرمودند و از من پرسیدند: این اشکال را چه کسی به شما داد؟ عرض کردم: آقا سیدهادی میلانی. ایشان فرمود: بسیار خوب. شب شنبه مرحوم آیت الله نائینی تمام درس را تکرار کردند، این در حالی بود که درس ایشان هیچ گاه تکرار نمی شد و حتی مطالب تکراری هم نداشت. مرحوم آیت الله میلانی فرمودند: استاد با تکرار درس به من فرمودند: توقع نیست از شما بعد از شانزده سال که به درس من می آید، منظور من را از کلام متوجه نشوید. (۱)

نخبه پروری

نخبه پروری

مرحوم نائینی به تربیت شاگرد بسیار اهتمام می ورزید و علاقه مند بود شاگردان خود را از نظر دانش و تقوا، ممتاز بار آورد. از این رو، بسیاری از شاگردان ایشان از مراجع تقلید شدند. حضرات آیات و حجج اسلام، آقا سیدجمال الدین گلپایگانی، آقا سید محمود شاهرودی، آقا شیخ موسی خوانساری، آقا سیدعلی مددی قائنی، آقا شیخ علی کاظمی خراسانی و آقا شیخ حسین حلی در شبانه روز، دو مرتبه به محضر مرحوم نائینی می رسیدند و در مسائل علمی، با یکدیگر گفت و گو می کردند. (۲)

۱- نک: مجله حوزه، ش ۳۰، ص ۴۸.

۲- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷، مصاحبه با فرزند مرحوم نائینی، ص ۱۷.

احترام به استاد

احترام به استاد

ایشان بسیار مقید بود که به شکل ویژه ای استادان خود را احترام کند و این جزو برنامه کار همیشگی او بود. او حتی به فرزندان استادان خود احترام می گذاشت. گاه پیش می آمد در مجلسی شرکت می کرد و فرزند مرحوم میرزای شیرازی بزرگ، آقا میرزا علی آقا هم حضور داشت. علامه به هنگام خروج یا ورود، ایشان را به احترام پدر بزرگوارش بر خود مقدم می داشت.

مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، هیچ گاه بر مرحوم پدر پیشی نمی گرفت و همیشه ایشان را بر خود مقدم می داشت، ولی بر مرحوم آقا میرزا علی آقا، فرزند میرزای بزرگ پیشی می گرفت، مگر آنجا که مرحوم پدر حضور داشت که به احترام ایشان، آقا میرزا علی آقا را بر خود مقدم می داشت. (۱)

تربیت شاگردان

تربیت شاگردان

استادان حوزه های علمیه افزون بر نظارت بر درس و بحث شاگردان، به رفتار و منش طلبه ها و فضلا نیز توجه داشتند و آنان را به سوی کمال روحی و معنوی راهنمایی می کردند. میرزای نائینی نیز به تربیت شاگردان و آراستن آنان به اخلاق پسندیده بسیار توجه داشت. از جمله مواظب بود که شاگردانش هنگام بحث علمی، رفتار تند و خشن نداشته باشند و از آنان می خواست در گفت و گوهای علمی، میانه روی را در پیش گیرند و سخن را به جدال نکشانند.

آیت الله حسینی همدانی از آقا سید علی مددی قاضی نقل می کند:

شبی در مقبره مرحوم آیت الله نائینی بودیم. آقای به آنجا آمد و مسئله ای طرح کرد. ما چند نفر بودیم. مقداری پیرامون مسئله مورد بحث گفت و گو شد. کم کم متوجه شدیم فرد مذکور بنای جدال دارد و پرخاش و تندی می کند. اینجا ما

ساکت شدیم. او مقداری [سخن] گفت. وقتی سکوت ما را دید، بلند شد و رفت. سپس آقای مددی افزود: ما را مرحوم آیت الله نائینی تربیت کرده اند، ما هیچ گاه در مراء و جدال وارد نمی شویم. (۱)

رعایت بهداشت و نظم

رعایت بهداشت و نظم

نظم و پاکیزگی و آراستگی، سرلوحه برنامه های عالمان راستین دین است که به رعایت آن بسیار پای بندند. میرزای نائینی نیز در آراستگی و پاکیزگی لباس و رسیدگی به ظاهر، الگو بود و کوچک ترین بی نظمی را که سبب دوری از معنویت می شد، بر نمی تابید. اگر در ظاهر کسی چیز ناپسند و نامعمول می دید، با اشاره یا کنایه و در مواردی با صراحت به او یادآور می شد. آیت الله حسینی همدانی می گوید:

یک وقت یکی از آقایان که مرجع تدریس در نجف اشرف شد و دو _ سه سال مجمع علمی خوبی هم پیدا کرد، به من فرمود: من می خواهم خدمت آیت الله نائینی برسم، اما نه در بیرون. معلوم شد از آقا چیزی می خواهند. ناخن های ایشان مقداری بلند بود، موقع گرفتن آن چیز، آیت الله نائینی لحظه ای دست ایشان را گرفته بود و فقط فرموده بود: آقا؟! (۲)

فروتنی

فروتنی

نائینی از فرزندگان خود ساخته ای بود که چه هنگام روی آوردن دنیا و مردم و چه در وقت پشت کردن آنها، مشی فروتنانه داشت و با نادان، دانا، نیازمند و توانگر یکسان برخورد می کرد. در داخل خانه هم میان خدمت گزار و دیگران فرقی نمی گذاشت. آیت الله حسینی همدانی نقل می کند:

من هیچ گاه فراموش نمی کنم که مرحوم آیت الله نائینی رحمه الله هرگاه می خواستند در حضور جمعی غذا صرف کنند یا وقتی در بیرون منزل غذا میل می کردند تا

۱- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با آیت الله حسینی همدانی، ص ۴۸.

۲- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با آیت الله حسینی همدانی، ص ۵۱.

هنگامی که شیخ مهدی که خادم آقا بود برای صرف غذا نمی آمد، آقا به غذا دست نمی زدند. نه تنها خادم را نمی گفتند جدا غذا بخورد، بلکه تا او نمی آمد و شروع نمی کرد، ایشان شروع به صرف غذا نمی کردند. (۱)

مرحوم نائینی استادان و بزرگان دانش را گرامی می داشت و در برابر آنان فروتنی می ورزید و مقام خویش را از یاد می برد. هنگامی که شیخ الشریعه اصفهانی چشم از دنیا فرو بست، بر تعداد شاگردان میرزای نائینی افزوده شد. از این رو، شماری از شاگردان از وی خواستند برای تدریس به منبر برود. نائینی بر منبر رفت و با گریه گفت: «چه روزگاری شده است که ما باید به منبر برویم، منبری که مشایخ بزرگ بر آن می نشستند». (۲)

گفتنی است که در طول سال ها خدمت گزاری وی به جهان اسلام، هیچ کس یک کلمه ناشایست از ایشان نشنید. او به حقوق دیگران توجه داشت. هرگز اوقات گران بهایش را بیهوده صرف نکرد، بلکه یا مشغول مباحثه مسائل علمی بود یا با بردباری و گشاده رویی به نیازها و مشکلات مردم رسیدگی می کرد و با آنان سخن می گفت. در مصرف، میانه رو بود و با زهد و تقوا و صرفه جویی، بیت المال مسلمانان را مصرف می کرد. تا آنجا که امکان داشت، از سهم مبارک امام و دیگر حقوق شرعی استفاده خصوصی نکرد و هزینه های شخصی را از درآمدهای دیگر تأمین می کرد.

۱- مجله حوزه، ش ۳۰، مصاحبه با آیت الله حسینی همدانی، ص ۵۸.

۲- مجله حوزه، ش ۵۵، مصاحبه با آیت الله محمدحسن مرتضوی لنگرودی، ص ۵۶.

فصل پنجم: نائینی از منظر فرهیختگان، شاگردان و معاصران

اشاره

فصل پنجم: نائینی از منظر فرهیختگان، شاگردان و معاصران

میرزای نائینی، از ستارگان درخشان حوزه های علمیه تشیع در دوران معاصر است. عظمت معنوی، روح باصفا و پرهیزکار، کمال علمی، بینش قوی سیاسی و بسیاری ارزش های دیگر، شخصیت او را محبوب خاص و عام ساخته بود و همه به وی ارادت داشتند، به گونه ای که هنوز پس از گذشت بیش از نیم قرن از رحلت این بزرگ مرد، از او به استواری در علم و عمل و به عنوان اندیشمندی بزرگ یاد می شود. بدین مناسبت برای شناخت بیشتر این الگوی تقوا و سیاست، سخنان جمعی از فرهیختگان و صاحب نظران بزرگ دنیای اسلام، به ویژه مراجع و علما و دانشمندان شیعه را که ترسیم کننده شخصیت کم نظیر آیت الله نائینی در جنبه های گوناگون است، تقدیم می کنیم. (۱)

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله

«قضیه عراق را میرزای شیرازی دوم، این شخصیت عظیم الشان، این شخص بزرگ، این شخص عالی مقام در علم و عمل، این نجات داد این عراق را. او حکم جهاد داد و فرستاد... آن وقت هم تبعیت می کردند عشایر از علما. عشایر آمدند خدمت ایشان و ایشان حکم داد، حکم جهاد داد، جهاد کردند، کشته دادند، کشته شدند تا مستقل کردند عراق را، اگر نبود حالا ما اسیر بودیم، حالا ما هم جزو مستعمره انگلستان بودیم. آن [استقلال عراق] هم با جدیت علما واقع شد. این علمای عراق را که تبعید کردند به ایران، برای مخالفتی بود که می کردند با دستگاه ها، مرحوم آسیدابوالحسن و مرحوم آقا نائینی و مرحوم شهرستانی و مرحوم خالصی، اینها را که تبعید کردند از عراق به ایران، برای این

۱- با استفاده از نشریه ژرفا، فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، ش ۲، محمدحسین ریاحی.

بود که اینها برخلاف آنها صحبت می کردند، خلاف این دستگاه ها حرف می زدند، از این جهت تبعید کردند و اینها را هم فرستادند به ایران که ما خودمان دیگر اینها را شاهدیم»^(۱).

آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم خراسانی رحمه الله

آیت الله العظمی شیخ محمد کاظم خراسانی رحمه الله

مرحوم آیت الله خراسانی، مرجع بزرگ تقلید و صاحب اثر گران سنگ کفایه الاصول، در تقریظی که بر کتاب پیراج شیخ محمد حسین نائینی نوشته، چنین آورده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

رساله شریفه تنبیه الامه و تنزیه المله، اجل از تمجید است»^(۲).

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله

آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمه الله

«من در آن هنگام [جهاد علما و مسلمانان در عراق بر علیه انگلیسی ها] جوانی بودم که مسئولیت سقائی در اطراف چادرهای جهاد کنندگان را بر عهده داشتم. بیشتر مجتهدان شیعه در جبهه های گوناگون جنگ حاضر بودند و نائینی [هم] در میان علما قرار داشت... او و چند تن دیگر از علما مانند آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و آیت الله میرزا رضا ایروانی در این جهاد خیلی فعال و درگیر بودند و حتی اقدامات و فعالیت های بزرگ مراجع بزرگ تقلید در آن جهاد، بر اثر تشویق نائینی و دوستان هم فکر او صورت می گرفت»^(۳).

۱- صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲- تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه، ص ۱.

۳- تشیع و مشروطیت در ایران، ص ۱۶۹.

آیت الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی رحمه الله

آیت الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی رحمه الله

آیت الله مازندرانی رحمه الله، از مراجع شناخته شده تقلید در دوران مشروطیت ایران در عراق بود. وی نیز در توصیف کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله چنین نگاه داشته است:

«بسم الله الرحمن الرحيم

بحمدالله تعالی و حسن تأیید رساله شریفه تنبیه الامه و تنزیه المله، چنان که مرقوم فرموده اند اجل از تمجید و برای تکمیل عقاید و تصدیق وجدانی مسلمین است»^(۱).

علامه سیدمحسن امین العاملی رحمه الله

علامه سیدمحسن امین العاملی رحمه الله

«نائینی عالمی جلیل، فقیهی اصولی، حکیمی عارف و ادیبی قوی در ادب فارسی و عابد و مدرس بود.

حوزه درس نائینی در نجف اشرف از بزرگ ترین حوزه های درس و بحث بود. میرزای نائینی برای عموم فاضلان و طلاب حوزه نجف، دو درس رسمی فقه و اصول داشت. صبح فقه و شب اصول تدریس می کرد. دوره درس خارج اصول وی به طور معمول، حدود هشت تا نه سال به درازا می کشید. افزون بر این، تدریس ویژه ای برای شاگردان برگزیده خویش داشت و در آن جلسه، مشکلات علمی را طرح و [به آنها] رسیدگی می کرد»^(۲).

آقا بزرگ تهرانی رحمه الله

آقا بزرگ تهرانی رحمه الله

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در بیان مقام علمی و آگاهی های گسترده نائینی در دانش های گوناگون، به ویژه علم الاصول آورده است:

۱- تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه، ص ۱.

۲- اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۵۴.

«دانش بسیار و گسترده ای داشت. ادب فارسی و عربی را به مرحله کمال رسانده بود و از دانش کلام و فلسفه بهره فراوان داشت. در دانش فقه، یگانه و میدان دار بود، اما در علم اصول موضوع بزرگ تر از اینها بود؛ زیرا بر کلیات دانش اصول آگاهی دقیق و کامل داشت و در آن، دقت و ژرف کاوی فوق العاده و شگفت آور انجام داد و به گونه ای شگفت آور، مباحث آن را استوار و مستحکم ساخت که آوازه دیدگاه های ژرف وی در اصول، در فضای آن روز طنین انداز شد... تا جایی که در علم اصول، مجدد به شمار آمد.

وی با این مقام و جایگاه علمی و آگاهی های گوناگون، بر سکوی بلند استادی در حوزه قرار گرفت و تلاش علمی خویش را آغاز کرد. او با روش ابتکاری خود، شاگردان بنامی پرورید؛ نامورانی که در عرصه تحقیق و نوآوری و شکوفایی دانش دین، نقش مهمی را ایفا کرده اند و در همه برهه ها و فراز و نشیب ها، مشعل حوزه را برافروخته داشتند. درس نائینی به خاطر شیوه ویژه وی در تدریس، دقت نظرها و باریک بینی های وی در پژوهش و ژرفایی و دشواریابی مطلب، بی مانند و ویژه بود. از این رو، در درس وی جز افراد توانا، دانشمند و صاحب نظر شرکت نمی جستند. از آن جا که طلاب مبتدی و متوسط نمی توانستند از مطالب دقیق درس بهره برند، در آن بحث جایی نداشتند. از این رو، درس نائینی طرف داران و اصحاب خاصی داشت. شخصیت هایی که مایه امید آینده بودند و حوزه به آنان چشم دوخته بود، در آن حلقه درس ساخته می شدند و چنین نیز شد؛ زیرا از بین آنان نخبگانی برخاستند که توانایی پیشگامی در حرکت علمی نجف را داشتند و مدرسان بنامی چون سید ابوالقاسم خوبی پا به عرصه تدریس نهاد[ند].

آخوند خراسانی به خاطر روابط گرم و صمیمی پیشین با نائینی و آشنایی با

گسترده‌گی دانش، تیزفکری، هشیاری و آگاهی وی از مسائل جهان اسلام، او را به عنوان طرف مشورت خود در کارهای مهم و شریک بحث خصوصی و یکی از اعضای هیئت استفتاء برمی‌گزیند»^(۱).

آیت الله شهید مرتضی مطهری رحمه الله

آیت الله شهید مرتضی مطهری رحمه الله

«انصاف این است که تفسیر دقیق از توحید علمی، اجتماعی و سیاسی اسلام را هیچ کس به خوبی علامه بزرگ و مجتهد سترگ، مرحوم میرزا محمدحسین نائینی رحمه الله توأم با استدلال‌ها و استشادهای متقن از قرآن و نهج البلاغه در کتاب ذی قیمت تنبیه الامه و تنزیه المله بیان نکرده است»^(۲).

آیت الله سید محمود طالقانی رحمه الله

آیت الله سید محمود طالقانی رحمه الله

مرحوم طالقانی با دید باز و روح بلند خود در زمان استبداد پهلوی، کتاب علامه نائینی را تجدید چاپ کرد و بر آن مقدمه و حاشیه نیز نوشت. ایشان درباره کتاب تنبیه الامه و نیز شخصیت نائینی، در مقدمه این اثر آورده است:

«دقت و توجه به این کتاب برای هر کس مفید است، آنهایی که خواهان دانستن نظر اسلام و شیعه درباره حکومتند، در این کتاب نظر نهایی و عالی اسلام را عموماً [و] شیعه را به خصوص، با مدرک و ریشه خواهند یافت.

مؤلف عالی قدر این کتاب، از بزرگ‌ترین مراجع اهل نظر در قرن اخیر بوده [است] و شخصیت علمی او را همه فضلاء و علما تصدیق می‌کنند. در مقام علمی و دقت نظر این مرد بزرگ همین بس که امروز جز چند نفری، تمام مراجع بزرگ شیعه و فضلاء کشور از افاضات علمی و رشحات فکری آن مرحوم استفاده کرده‌اند و به شاگردی اش افتخار می‌کنند...»^(۳).

۱- نک: نباء البشر، ج ۲، صص ۵۹۳ _ ۵۹۶.

۲- نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، ص ۴۹.

۳- تنبیه الامه و تنزیه المله، مقدمه، صص ۱۳ و ۱۴.

حامد الگار

حامد الگار

چند سال پس از انقلاب مشروطیت، ما یک اثر جدی و اساسی درباره مسائل سیاسی و اجتماعی اصلاح طلبی می بینیم که از روابط و اصطلاحات اصیل علمی الهام گرفته و از طبقه علما آن را پدید آورده اند. این اثر، کتابی است درباره حکومت مشروطه از دیدگاه اسلام شیعه، با عنوان تنبیه الامه و تنزیه المله؛ در اساس و اصول مشروطیت....

... نائینی، در کتاب خود دلایل عقیدتی مثبت را برای حمایتشان از مشروطه خواهی تشریح می کند و زمینه این دلایل، بر اساس کتاب و سنت است. وی [از] اقدامات دولت، [به] عنوان ایجاد تعادلی در میان جامعه و دفاع در برابر هجوم خارجی تعریف می کند. (۱)

حمید عنایت

حمید عنایت

«رساله تنبیه الامه و تنزیه المله، نوشته حاج میرزا حسین نائینی، معروف به میرزای نائینی، از مراجع تقلید شیعه که از نوشته های معدود مربوط به دوره انقلاب مشروطه ایران در توجیه نظام مشروطیت از دیدگاه مذهب شیعه است و رساله ای بسیار بدیع تر و منظم تر از طبایع الاستبداد است». (۲)

شیخ محمدحسین کاشف الغطا

شیخ محمدحسین کاشف الغطا

«آن نفسی را که در پرواز، به ملکوت اعلی نزدیک تر بود تا به گرایش به عالم ملک، زیاده از چهل و پنج سال است که شناخته ام. آن بزرگوار را که پیوندش با افق عالم ارواح مجرده، بیش از پیوندش با عالم ارواح مادی بود، از سال ۱۳۱۰ هجری قمری شناختم. ایشان بر دیگر شخصیت ها و بزرگان علمی امتیازاتی

۱- نک: نهضت بیدارگری در اسلام، ص ۱۲۹.

۲- سیری در اندیشه سیاسی عرب، ص ۱۷۴.

داشت، نه از یک جهت بلکه از جهت های گوناگون.

یکی از آن جهت ها، قیافه ایشان بود که از آن شخصیت و بزرگی نمایان بود؛ دیگر روش لباس پوشیدن ایشان بود که پاکیزه ترین و لطیف ترین لباس ها را می پوشید.

ایشان خوی ها و اخلاقیات خود را بدون اِبا اظهار می داشت؛ چرا که بزرگ زاده بود و از معنویین دیار خود به شمار می رفت.

میرزای نائینی در نزد مراجع بزرگ، مورد اعتماد و مشورت بود. در امور مهم که اهل حل و عقد در آن جمع می شدند، نظر ایشان مورد احترام بود.

من میرزای نائینی را در آن روزگار با اخلاق فاضله و همت والا شناختم و چند روزی با ایشان در تماس بودم تا اینکه با بازگشت به نجف اشرف، از ایشان جدا شدم» (۱).

آقا شیخ عبدالحسین حلی

آقا شیخ عبدالحسین حلی

«شیخ و استاد بزرگ ما آقا میرزا محمدحسین غروی نائینی قدس الله نفسه الزکیه، یکی از پیشینیان صالح و از بیرق ها و نشانه های خداوند بود که بزرگی و ویژگی های والا، در گفتار و کردار او آشکار بود؛ یکتا عالم زمانه که در هشتاد و دو سال زندگانی شریف خویش درخشش چشم گیر و امتیاز فوق العاده ای در مسیر طریقت و اخلاص از خود نشان داد و خصلت های عالی که در خور هرگونه ستایش است.

پشتکار و سعی ایشان در فراگیری معارف تا بدان جا رسید که مجمع علمی استادان و در پیشاپیش آنان استادان بزرگ ایشان که از مفاخر زمان بودند، آن مرحوم را شایسته مقام اجتهاد دانستند و قوه استنباط احکام شرعی و صدور

فتوا را در ضمیر آن بزرگوار دیدند و به اتفاق، ایشان را به عنوان مدرس فقه و اصول برگزیدند.

مرحوم خراسانی در گرفتاری‌ها و مسائل مهم، با آیت الله نائینی مشورت و در امور مهم، به رأی و دیدگاه‌های ایشان عمل می‌کرد و از این رو، بر تنبیه الامه و تنزیه المله تقریظ نوشت و آن را تأیید و ترویج فرمود. این کتاب میرزای نائینی در تأسیس دولت اسلامی و حکومت از نظر اسلام، برای علما کتاب استدلالی و برای عوام رساله تقلیدی به شمار می‌رود که احکام آن از قرآن کریم و احادیث نبوی صلی الله علیه و آله استنباط شده است. متخصصان در حقوق بین الملل و اسلام، از نگارش مانند آن ناتوانند و متفکران برآنند که این اثر، جامع بین عالم روحی و مقام عالی سیاسی و حاکی از فراخی نظر و دقت فکر است. (۱)

تاریخ، خدمات مرحوم میرزای نائینی را در همکاری با رؤسای قیام مشروطیت ایران و انقلاب عظیم آن فراموش نمی‌کند.

ایشان با شرح صدر و روی باز با مردم گفت و شنود داشت و با اهل علم به گفت و گوی علمی یا مباحثه فقهی می‌پرداخت.

نبوغ و علم در وجود ایشان درخشش داشت و هر کس با ایشان گفت و گو و نشست [و برخاست] داشت، فضل و فضیلت و علم و کمال و ادب و دانشمندی ایشان را تشخیص می‌داد و بر گستره دانش‌ها و اشراف ایشان بر دانش‌هایی چون فقه، اصول، حکمت و فلسفه، درایه و علم حدیث، رجال، ریاضیات، نجوم و تمامی دانش‌های قدیم و جدید و اتقان ایشان در مبانی استنباط آگاه می‌شد.

ژرفای آگاهی میرزای نائینی به اندازه‌ای بود که هر کس از او [مطلبی]

می پرسید، همان مجلس، پاسخ کامل را از ایشان می شنید. در کمترین مدت و با اندکی فکر و درنگ، جواب را با استدلال کامل و قانع کننده به گونه ای مشروح و روشن بیان می فرمود و پرسش کننده از این آگاهی و حضور ذهن شگفت زده می شد. مسئله پیچیده ای را که راهی برای حل آن نبود، مگر با نظر دقیق، آن را با بیان روشن ثابت می فرمود. با ادله عقلی و نظر صحیح پیچیدگی ها را روشن می فرمود، به گونه ای که برای هر یک از ما مشکل، آسان می شد و هیچ ابهامی در مسئله باقی نمی ماند.

در جوانی و در کهن سالی، در مرجع تقلید بودن و در رهبر عامه بودن، نفسی متواضع داشت. در این درجات مختلف، ایشان فرقی نکرده و به همان حالت نخست بود. هشتاد سال از عمر خود را گذرانده بود، درحالی که وقتی در خیابان و کوچه و بازار راه می رفت، ابتدا سلام می کرد، با قیافه بشاش و خلق خوش از طرف احوال پرسسی و دل جوئی می کرد و وضعیت داخلی و حال او را سؤال می فرمود، معلوم بود که احوال او برای ایشان خیلی مهم است و علاقه مندند که از وضعیت و احوالش آگاه شوند. این خوش رویی و راه رفتن ساده و خالی از تبختر و خودخواهی در شخص ایشان بود که قلوب بیشتر مردم را فریفته ایشان می ساخت. مردم با علاقه و محبت، به ایشان ارادت می ورزیدند.

از خوشی ها و لذت های دنیا و زرق و برق و جمال آن بی نیاز بود و به عالم بالاتر و کمال بیشتر، توجه داشت. فقیهی بود خالی از خودبینی، همیشه به یک گونه و یک نوع [نوع] زندگانی و با همان اخلاق و همان مهربانی بود. نه از گذشته متأسف بود و نه به آینده خوش دل. تمام هم خود را به تربیت اهل علم و اهل فضل و مجتهدان صرف می کرد؛ با اخلاص و محبت فوق العاده، با جدّ و جهد خستگی ناپذیر. برای همه نمونه جدّ و جهد بود. تهذیب نفس و اخلاق و

فروتنی و حقیقت‌شناسی و رسیدن به حقایق و انصراف از ماده و عالم دنیوی و توجه به آخرت در ایشان، بالاتر از حد تصور و خیال بود. معرفت نفس و توجه به عالم دیگر، مورد توجه ایشان بود» (۱).

شیخ محمدحسین مظفر

شیخ محمدحسین مظفر

«اما نائینی را از حیث اخلاق و معارف مشکل بتوان شناساند. چنان‌که نفس را از اخلاق پست، پاک و از خصلت‌های ناپسند، دور کرده بود که اگر کسی بر همه شئون اخلاقی و رفتار و برخورد ایشان با اشخاص آگاه شود، خواهد شناخت در مکارم اخلاق و مخالفت با هوا و هوس‌های نفسانی به چه درجه بوده و آن‌ها را چه سان نابود می‌ساخته و خود را چه در جلوت و چه در خلوت، نسبت به باری تعالی مخلص ساخته و پرداخته بود که روح او یگانه محک برای کشف سرائر و اظهار آنچه در ضمیر است، شد.

ایشان را از پیش، صاحب اخلاق عالی و نیکو شناختم که ظاهر و باطنش یکی بود. مرد صلاح و سداد بود. زمانی که ریاست روحانی و خدایی را بر عهده گرفت، جلال و ابهتی داشت. به بهترین جلوه ظاهر شد. نیکی‌ها و زیبایی‌هایی از او پدیدار گردید که به شمار نیایند.

ایشان را خوش محضر دیدم. مجلس ایشان بهترین مجلس بود؛ دربردارنده سخنان شیرین و نکته‌های خوش و به دور از ملال، [به گونه‌ای که] شخص دانا میل به ادامه آن [جلسه] داشت تا پیش از پیش استفاده کند و سود علمی ببرد. ایشان را چنین شناختم که اگر کسی نسبت به ایشان بدی می‌کرد، هر کس که می‌بود، به تلافی نمی‌اندیشید. هیچ وقت در سخنانش از کسی به تعریض (کنایه) یاد نمی‌فرمود. این، از صفات اهل گذشت است. همیشه زمام زبان خود

را در اختیار و بر بیان خود تسلط کامل داشت. زبان ایشان ترجمان دل بود و بیان ایشان پیرو گام‌هایی بود که به سوی بهشت برمی‌داشت.

میرزای نائینی فکرش از دنیا و مافیها و زرق و برق دنیا به دور بود. هوای نفس خود را کشته بود، برای اینکه نزد خدای خود زنده و پایدار و جاوید بماند.

ساعتی که وارد مجلس درس می‌شد و بر منبر تکیه می‌زد، نخست به [درگاه] پروردگار یکتا دعا و زاری می‌کرد. در حالی که خاشع و خاضع بود، از او کمک می‌طلبید. همچنین درس را با دعای خاص خود، بین خود و خدا، به پایان می‌رسانید. همیشه در ذکر خدا و یاد خدا بود. همچنین در وقتی که مرگ را تذکر می‌داد، تمام خوشی‌های زندگانی را به هیچ می‌شمرد. تمام توجه و نظر و تکیه او به حیات باقی بود و دار فانی را هیچ می‌شمرد. همچنین در محراب عبادت تمام توجهش به پروردگارش بود، نه دیگری. توجهی به هم‌نشین یا همدمی نداشت؛ تنها خدا بود و بس.

فقید سعید، نفس تزکیه شده‌ای داشت که آن، سبب داشتن همه کمال‌ها و برتری‌ها شده و او را به مرتبه‌اعلای فضل و دانش رسانیده بود». (۱)

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (۲)

«مرحوم آقای نائینی استاد الفقها و المجتهدین است و هر چه درباره تکریم و تجلیل ایشان عمل کنیم، شایسته است. مرحوم نائینی در زمان خود، از نظر

۱- مجله حوزه، ش ۷۶ و ۷۷.

۲- مصاحبه با آیات و علمای عظام، به نقل از: ویژه‌نامه همایش بزرگداشت میرزای نائینی، اسفند ۷۹، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان.

علمی خیلی برجسته بود و از نظر سیاسی، بیش عجیبی داشت و تمامی بزرگانی که داشتیم، شاگرد محقق نائینی بودند».

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

«نائینی شخصیتی است دارای ابعاد مختلف، فقیه بزرگ، اصولی بزرگ و مرد سیاسی بزرگی است. او در زمان خودش از روشن فکران بنام بود.

اگر ما یک روشن فکر مذهبی بخواهیم از آن زمان در نجف نشان بدهیم، یک نمونه اش نائینی است.

از ابعاد وجودی ایشان، آن بود که شاگردپرور بود و هم کتاب های ایشان و هم شاگردان ایشان گسترش زیادی پیدا کردند و این، دلیلی بر خلوص نیت [آن] بزرگوار است».

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی

«نائینی در فقه و اصول، ابتکارات و نوآوری های زیادی دارد. اگر این ابتکارات جمع آوری شود، کتابی مفید خواهد بود».

آیت الله مؤمن

آیت الله مؤمن

«آقای نائینی استاد بنام حوزه علمیه نجف و مورد توجه علمای زمان خود بود. یکی از علمایی که در اصول ید طولایی داشت و شاگردان زیادی هم داشته، مرحوم آقا ضیاء عراقی نام دارد. ایشان نیز به فرمایشات و تقریرات آقای نائینی عنایت داشته اند.

درس اصول نائینی در حوزه عراق، شاگردان زیادی داشت و با کمی دقت می توان دریافت که او شخصی خوش بیان بوده و خوب می توانسته مسائل علمی را تجزیه و تحلیل کند و در بیشتر موارد از نظر مبنایی، مبنای شیخ اعظم، مرحوم شیخ مرتضی انصاری را می پسندیده و تقریر و تبیین می کرده است».

«کسی که به خوبی در میان علما نامش درخشید و عنوان خوبی پیدا کرد، مرحوم آیت الله حاج سیدابوالقاسم خویی، از شاگردان مشهور نائینی بود و شاید حدود سی سال بعد از فوت آقای نائینی کرسی تدریس را در نجف به عهده داشته است.

مرحوم حاج میرزا باقر زنجانی نیز از علمای خوب نجف بود. علی الظاهر از شاگردان دیگر ایشان، مرحوم حاج شیخ حسین حلی بوده است و بالاخره حوزه درس، یک حوزه وسیع و گسترده ای بود و علما و فقهای زیادی استفاده کرده اند. حال چه از خود عراق و ایران و یا از کشورهای دیگر بوده اند».

«نظر ایشان هم این بود که مشروطه باید مشروطه ای باشد که طبق ضوابط شرعی عمل کند. نائینی کتابی را با نام تنبیه الامه نوشت که در این کتاب مسئله لزوم تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه را به اثبات رسانیده است و عمده نظری را که نائینی در این کتاب دنبال می کند، آن است که باید حکومتی داشته باشیم و حکومت هم باید حکومت استبدادی نباشد. مرحوم نائینی مسئله را توضیح داده که اشخاصی که به عنوان نماینده انتخاب می شوند، یک سری از مسائلی که شرعی است خداوند و دین اسلام خودش مستقلاً آنها را بیان فرموده و نباید به آنها دست زد و یک سری کارهای دیگری است که کشور برای تصمیم گیری ها و اداره [به] آن احتیاج دارد.

نائینی به بسیاری از شبهه ها پاسخ داده و مثلاً در مسئله زمان غیبت معصوم می گویند: قاعده این است علمایی که فقها هستند و جانشینان امام هستند، آنها باید متصدی این کارها شوند، اما هیچ مانعی ندارد اگر علمایی هم بیایند این کار را بکنند. لازم نیست خودشان مستقل بیایند بلکه کسانی را آنها اجازه بدهند و آدم های صالحی باشد و نماینده باشند و تصمیم بگیرند این تصمیم ها مشروعیت

دارد الی آخر. بنابراین، مشروطه ای که نائینی می گوید، همان مشروطه ای است که آیت الله شیخ فضل الله نوری فرموده الا اینکه شیخ فضل الله نوری خواستار مشروطه مشروعه بوده است. بنابراین، از نظر حقیقت بین این دو اختلافی نبوده. از این رو، مرحوم آخوند خراسانی که خود از عالمان طراز اول زمان و از مراجع معظم شیعه بود، بر کتاب مرحوم نائینی تقریظی نوشته و آن را تأکید کرده است.»

«اینکه آقای نائینی از قانون اساسی پشتیبانی کرده، این طور نیست که سخنان ایشان با فرمایشات حاج شیخ فضل الله نوری دو تا باشد. آنچه نائینی می گوید قانون اساسی و آنچه را مجلس به عنوان قانون جعل می نماید، باید طبق شرع باشد و این، همان مطلبی بود که حاج شیخ فضل الله نوری می فرمودند. منتهی آنجا یک عده اشخاصی که اغراض مادی داشتند و چه بسا با بیانی که دنبال مطامعی از ایران بودند، دور هم جمع شدند و ایشان را به شهادت رسانید.»

آیت الله مرتضوی لنگرودی

آیت الله مرتضوی لنگرودی

«از نظر تقوا ایشان بسیار متقی بود. فقط من نکته ای از مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه در اعلام الشیعه نقل می کنم. ایشان فرمود: كَانَ مُتَوَرِّعًا فَفِيهَا صَالِحًا غَيْرَ مُتَهَاتِكٍ عَلَى أَحْكَامِ الدُّنْيَا وَلَا مُتَفَاتِنٍ فِي حُصُولِ عَلَى الرِّيَاسَةِ.

و من ندیدم آقا بزرگ برای کسی این گونه بگوید که ایشان فرمودند. مرحوم نائینی متورع بود، فقیه بود، صالح بود که طالب دنیا نبود و به دنبال آن آقا بزرگ نقل می کند که وقتی ایشان در نماز واقع می شد، بدنش حرکت می کرد؛ یعنی در حالت نماز این طور بود که یک حالت لرزه و رعشه ای بر اندامشان مستولی می شد.»

«مرحوم نائینی حکومت اسلامی و ولایت فقیه را اثبات می کنند و ولایت فقیه را در زمان غیبت، از ضروریات می دانند. تنبیه الامه را برای ارشاد امت نوشتند؛ چون ظاهرا جریان مشروطه غیر از باطن آن بود. ظاهرش این بود برای اینکه حکومت قاجار ظلم هایی می کردند بنا بود یک حکومت عادلانه اسلامی مشروطه مشروعه تشکیل شود، ولی مستعمره خصوصا انگلیسی ها جریان هایی پدید آوردند که منتهی به قتل آقا شیخ فضل الله نوری شد. میرزای نائینی از این وضع خیلی ناراحت شد و گفت ما که تنبیه الامه نوشتیم، یک چیز دیگری بود.»

به هر حال در نهضت مشروطه به رهبری آقای آخوند هماهنگی و همکاری داشتند. بعد از مرحوم آخوند و محمدتقی شیرازی و شیخ الشریعه اصفهانی، ایشان در تدریس مستقل شدند و به گونه ای بود که درس ایشان مجمع علما و فضلا و محققین بود. گویا اگر کسی به درس ایشان نمی رفت، بی سواد بود».

«[در زمان] مرحوم آقای نائینی که در جریان انقلاب عراق بود، استبداد انگلیس بر حکومت عراق به نحوی شد که علمای نجف (مرحوم خالصی، نائینی و فقیه اصفهانی) اعتراضات و فعالیت هایی علیه دولت انگلیس کردند. اول مرحوم آقای خالصی را تبعید کردند و پس از اعتراض نائینی و فقیه، این دو را نیز به ایران تبعید کردند.»

این دو وارد هر شهری که می شدند، مورد تجلیل قرار می گرفتند تا اینکه وارد حوزه علمیه قم شدند. مرحوم آیت الله العظمی حائری از اینها پذیرایی کرد و آقایان هم مدتی در قم ماندند و مشغول تدریس شدند تا اینکه اوضاع عراق آرام شد و این دو دوباره به نجف بازگشتند تا اینکه در سال ۱۳۵۵هـ. ق وفات کردند و در یکی از حجرات صحن مبارک امیرالمؤمنین به خاک سپرده شدند.

اجمالاً ایشان از کبرا و عظمای علمای شیعه در قرن سیزدهم هستند. خلاصه اینکه مرجعیت عامه از آقا سیدابوالحسن بود، اما خواص به نائینی مراجعه کردند».

آیت الله ممدوحی

آیت الله ممدوحی

«منش سیاسی ایشان هم خیلی فوق العاده و جالب بوده است. کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله میرزا، کتابی بود که وقتی نوشته شد، خیلی سر و صدا کرد.

این کتاب در ایام مشروطه نوشته شد. در آن ایام علما دو دسته بودند. مسئله هنوز حالت ابهامی داشت و برای ایشان سخت بود که بتوانند بپذیرند. مرحوم آخوند که مشروطه را پسندیده بود و در مقابل محمد کاظم یزدی، ایستاده بود که می گفت این مشروطه، مشروعه نیست و ما دست خائنین را در آن می بینیم.

در این کشمکش ها مرحوم آقای نائینی کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله را نوشت و اتفاقاً ایشان تذکر می دهد که تألیف این کتاب به معنای امضای تأیید دستگاه مشروطه فعلی نیست. هرگز ما چنین حرفی را نمی گوئیم، بلکه می گوئیم اگر این همین الان [دولتی] جای گزین آن حالت استبدادی قبل بشود، بهتر است؛ چون یک مقدار به شرع نزدیک تر است، اما با شرطی که ما داریم مثل اینکه مجتهدین در بین مجلس باشند یا احکام غیر شرع در آنجا عملی نشود، ضوابط شرع محفوظ باشد و شرایطی دیگر....

وقتی انسان الان نگاه می کند می بیند که این دستور برای آن زمان، شاید ضرورت داشته است و ایشان هم خیلی با احتیاط قدم برمی دارد و البته می گوید شرع پسند آن حکومتی است که به طور مطلق تحت نظارت فقیه باشد و فقیه به طور کامل نظارت داشته باشد؛ یعنی حکومت اسلامی که الان می گوئیم، منتها

ایشان در آن زمان با این زبان بیان می فرمودند»[\(۱\)](#).

۱- مصاحبه با آیات و علمای عظام، به نقل از: ویژه نامه همایش بزرگداشت میرزای نائینی، اسفند ۷۹، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان اصفهان.

فصل ششم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل ششم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

توصیه های کلی

پیشنهادهایی برای برنامه سازان

پرسش های مسابقه ای

پرسش های کارشناسی

پایان دفتر

چهره ارشاد

توصیه های کلی

توصیه های کلی

۱. وجود عالمان و مراجعی که هم در علوم مختلف حوزوی و هم در مسائل روز و سیاست، نظریه پرداز و صاحب اندیشه و نوآور باشند، بسیار ارزشمند است.

علامه نائینی از جمله این عالمان بود. ایشان افزون بر بحث و تدریس در حوزه، در صحنه های سیاسی نیز حضوری فعال داشت و در جریان جنبش مشروطه ایران و قیام عراق برضد استعمار انگلیس، از چهره های سرشناس و رهبران این قیام ها به شمار می رفت که حرکت انقلابی مردم را در چارچوب شریعت اسلام هدایت می کرد. بنابراین، در شرایطی که درباره نقش روحانیان در صحنه های سیاسی، تبلیغ های منفی گسترده ای می شود، یکی از سیاست های کلان رسانه می تواند معرفی چنین عالمانی باشد.

۲. علامه نائینی در زمینه فقه و اصول به نظریه پردازی مشهور است. نظریه های این عالم بزرگوار، هم اکنون موضوع و محور بحث و پژوهش مجتهدان حوزه های علمیه قم و نجف است و یادداشت های ارزشمندی که شاگردانش از درس های استاد گرد آورده اند، به صورت کتاب درآمده است. از این رو، شایسته است بر جنبه علمی علامه نائینی، به عنوان ویژگی مهم ایشان تأکید شود.

۳. علامه نائینی درباره موضوع هایی همچون هماهنگی اصول حکومت و نظریه های آن بر وفق مبانی شرع در زمینه آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و به طور کلی، مردم سالاری دینی، نظریه های ارزشمندی دارد که همه آنها را در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله نگاشته است.

با توجه به اینکه این گفتمان درباره موضوع های مطرح شده است، استفاده از نظریه های یک مرجع جامع شرایط می تواند گره گشا باشد.

۴. روحانیان شیعه در طول تاریخ، در زهد و تقوا و ساده زیستی و دوری از ریاست الگوی مناسبی برای مردم بوده اند. علامه نائینی نیز ستاره ای از این ستارگان بود.

ایشان با وجود مقام بالای علمی و داشتن شایستگی برای مرجعیت تامه، زیر بار این مسئولیت بزرگ نرفت و همچنان به عنوان استاد فرهیخته حوزه به تربیت شاگردان پرداخت. البته دیگر ویژگی های اخلاقی ایشان نیز در این نوشتار آمده است.

پیشنادهایی برای برنامه سازان

پیشنادهایی برای برنامه سازان

۱. تشکیل میزگرد مشترک با حضور شخصیت ها و بزرگان حوزه و دانشگاه، در زمینه نظریه های سیاسی _ اجتماعی علامه بر اساس آنچه در کتابش تنبیه الامه و تنزیه المله آمده است و مقایسه آن با نظریه های حضرت امام راحل رحمه الله و مقام معظم رهبری (مدظله العالی).

۲. گفت و گو با استادان و مراجع حوزه که هم اینک مشغول تدریس نظریه های ایشان هستند و آگاهی از نظریه های مهم و بکر ایشان در زمینه های گوناگون علوم اسلامی.

۳. گفت و گو با افراد خانواده علامه مانند فرزندان یا بستگان، می تواند در شناخت اخلاقی و عرفانی علامه و الگوگیری از زندگی خصوصی ایشان راه گشا باشد.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. علامه نائینی اهل کدام شهر بود؟ نائین
۲. استادان معروف علامه نائینی چه کسانی بودند؟ آیت الله حاج میرزا محمدحسن شیرازی بزرگ و آیت الله سیدمحمد اصفهانی.
۳. از شاگردان برجسته علامه نائینی دو نفر را نام ببرید؟ آیت الله العظمی خویی و شیخ محمد علی کاظمینی.
۴. علامه نائینی در کدام یک از جنبش های آزادی بخش حضوری فعال داشت؟ قیام عراق و جنبش مشروطه.
۵. نخستین مرجعی که درباره قانون اساسی نظریه هایی داشت که بود؟ علامه نائینی

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. درباره شخصیت علمی علامه نائینی توضیح دهید؟
۲. تدریس علامه چه ویژگی هایی داشت؟
۳. استادان و شاگردان برجسته علامه نائینی را معرفی کنید؟
۴. مهم ترین آثار و نوشته های علامه چه نام دارند و درباره چه موضوع هایی هستند؟
۵. چرا علامه با آن مقام علمی بالا، به مرجعیت تامه در زمان خود نرسید؟
۶. علامه نائینی در فقه و اصول چه نوآوری هایی داشت؟
۷. نظر علامه را درباره ولایت فقیه و گستره آن بفرمایید؟
۸. قانون اساسی، نزد علامه نائینی چه جایگاهی داشت؟
۹. درباره زندگی سیاسی علامه نائینی بگویید؟

۱۰. درباره سیره اخلاقی و ویژگی های عرفانی علامه نائینی توضیح دهید؟

۱۱. از دیدگاه علامه نائینی، عزت و استقلال مسلمانان در چه بود و وظیفه آنها را در آن برهه حساس چه می دانست؟

۱۲. علامه درباره شورایی بودن نظام اسلامی و همچنین اعتبار رأی اکثریت چه نظری داشت؟

۱۳. آیا اندیشه های علامه نائینی اصالت دارد یا برگرفته از نظر دیگران است؟ شرح دهید؟

۱۴. از نقش علامه نائینی در جنبش مشروطه بگویید؟

۱۵. نظر حضرت امام درباره علامه نائینی چه بود؟

پایان دفتر

پایان دفتر

علامه نائینی، تکلیف مدار و مرزبان دین بود و نیز آگاه به زمان. او معنویت، فقاہت و سیاست را درهم آمیخت و تندیسی از عالمی ربانی و سیاست مداری دین دار و امین بود.

جان مایه اندیشه های او، از کلام معبود و انسان کامل بود. او داروی هر دردی را در متون دینی می یافت و دنباله رو نظر منتسکیو و اندیشه های آزادی مآبانه غرب نبود؛ زیرا می دانست پیروی از چنین افکاری، به بیراهه رفتن و اقیانوس را وانهادن و در برکه رفتن است. او مرد سیاست بود و سیاست دینی با جانش آمیخته بود. از این رو، هیچ گاه از سیاست دوری نگزید. دشمنان کوشیدند تا اندیشه های ناب و نجات بخش او را برای همیشه از گردونه خارج کنند تا سدّ راه استعمارگران نباشد، ولی او با عمل خویش، نقشه های استعمارگران را پس از مشروطه بی اثر کرد و به همگان آموخت که مرد دین نمی تواند و نباید از سیاست به دور باشد، بلکه شایسته است با مبارزان برضد بیداد، هم دردی و همدلی کند و اوضاع نابسامان مسلمانان را سامان بخشد.

او با روش ابتکاری خود، شاگردان بنامی پروراند. نامورانی که در میدان پژوهش و نوآوری و شکوفایی دانش دین، نقش مهمی ایفا کرده اند و در همه برهه ها و فراز و نشیب ها، مشعل حوزه را برافروخته داشته اند. و این گونه تا لحظه دیدار حق، در راه عزت اسلام و مسلمانان کوشید و لحظه ای از پای ننشست.

چهره ارشاد

چهره ارشاد

جلوه ای نو داد جهدش چهره ارشاد را

باز کرد از شیوه خود مشت استبداد را

در طریق اعتلا سد تحجر را شکست

تا دهد جولان به ره اندیشه ای آزاد را

گفت در بند هواجویان شدن، ننگ است ننگ

گر مطیعی تو خدای عالم ایجاد را

گفت رمز پیشرفت خلق ما دین خداست

گفت در حق جست باید کشوری آباد را

ملت اسلام از خوابی گران بیدار ساخت

تا کند ویران به ایران محبس بیداد را

پیشوایان شریعت در قفای آن فقید

یافتند از درس این رهبر ره ارشاد را

خانه علامه نائینی رقم زد حرف حق

حق گرایان حق ستا باشید این استاد را

کتاب نامه

کتاب ها

۱. آدمیت، فریدون، ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، تهران، پیام.
۲. المکاسب و البیع، تقریرات درسی میرزای نائینی، گردآورنده: شیخ محمدتقی آملی، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. بخشایشی، عقیقی، فقهای نامدار شیعه، قم، انتشارات کتاب خانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمه الله، ۱۳۷۲.
۵. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء.
۶. _____، نقباء البشر، دارالمرتضی.
۷. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۸. حبیب آبادی، محمدعلی، مکارم الآثار، اصفهان، نشر نفائس مخطوطات، ۱۳۷۷ هـ. ق.
۹. حزرالدین، معارف الرجال، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی رحمه الله.
۱۰. زنجانی، عمید، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۷.
۱۱. شهیدی، نهج البلاغه، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ. ق.

۱۳. شیخ مفید، المقنعه، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ هـ. ق.

۱۴. صادقی تهرانی، محمد، نگاهی به تاریخ انقلاب اسلامی، عراق، انتشارات دارالفکر، ۱۹۲۰ م.

۱۵. عنایت، حمید، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، چاپ خانه سپهر.

۱۶. کاظمی، شیخ محمدعلی، فوائد الاصول، تقریر درس های اصولی نائینی، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.

۱۷. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۱۸. کرمانی، ناظم الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، نشر آگاه، ۱۳۶۲.

۱۹. مجموعه رهنمودهای امام خمینی رحمه الله، صحیفه نور، وزارت ارشاد اسلامی.

۲۰. مطهری، مرتضی، نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، قم، نشر عصر.

۲۱. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۲۲. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ۱۳۴۱.

۲۳. نائینی، میرزا محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه المله، قم، احسن الحدیث، ۱۴۱۹ هـ. ق.

نشریات

۲۴. نشریه ژرفا، فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان، شماره ۲ و ۳.

۲۵. مجله حوزه، ویژه حوزه های علوم دینی، شماره ۳۰، ۷۶ و ۷۷.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

